

۴
کافهموسیقی به مثابه مسئولیت
پری ملکی۵
تماشا

هویدای ناقص

نگاهی به مستند هویدا؛ یک پرتره صوتی

۶
توسعه

پرهیز از غفلگیری

تغییر قیمت بنزین، باعث اعتراض نشد

۲
حزب

هم‌اندیشی برای آینده

نشست دبیران اول استانی
حزب کارگزاران سازندگی ایران برگزار شد

یادداشت روز

آزادی‌های شهروندی

تنظیم‌گری فضای مجازی
و چالش تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان

صالح نقره‌کار

حقوق‌دان

مقام عمومی در راستای حمایت از حقوق شهروندان مبادرت به اتخاذ سازوکارهای تقنینی و اجرایی می‌نماید تا بتواند امنیت غذایی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تأمین کند. با توجه به اینکه موضوع امنیت غذایی برای شهروندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تدابیر پیشینی و پسینی از سوی قانونگذار اتخاذ می‌شود تا حمایت‌های کافی و وافی در جهت صیانت از حقوق شهروندان محقق شود. از منظر تقنینی لازم است شرایطی فراهم شود که زمینه تضمین حق بر امنیت شهروندان در فضای مجازی نیز مهیا گردد. مستحضرید که فضای مجازی و پدیده‌هایی نظیر اخبار جعلی (فیک‌نوز)، اخبار ساختگی، باج‌نیوزها و سایر شایعاتی که در این فضا انتشار می‌یابد، بستر نقض‌های گسترده‌ای را در حوزه اجتماعی و واقعی ایجاد می‌کند. در دنیای امروز، بحث مقررات‌گذاری و تضمین امنیت شهروندان در فضای مجازی، به‌ویژه در حوزه امنیت غذایی و اجتماعی، به یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر قانونگذاری برای بسیاری از نهادهای تقنینی، امنیتی، اجرایی و سیاسی کشورهای مختلف تبدیل شده است. در حوزه تنظیم‌گری فضای مجازی، نگرانی‌های قابل‌توجهی مطرح است؛ ازجمله نقض حریم خصوصی، ارتکاب جرایم علیه اخلاق و اخلاق عمومی و فردی، نقض حقوق مالکانه، نفرت‌پراکنی و سایر جرایم حقوقی که از پول‌شویی گرفته تا جرایم مالی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. این مسائل، ضرورت ایجاد سازوکارهایی برای کنترل، حمایت و صیانت از حقوق شهروندان در فضای مجازی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در این زمینه، ضروری است که قانونگذار با نگاهی جدی و فناورانه، تحولات روز و دسترسی به فضای مجازی را مدنظر قرار دهد و همزمان، حمایت‌های قانونی لازم را برای تضمین حقوق شهروندان و امکان دادخواهی آنان پیش‌بینی کند. نکته اساسی آن است که قانونگذار از اتخاذ رویکردهای صرفاً امنیتی‌محور یا محدودکننده پرهیز کند؛ چراکه این چالش اصلی، انتظاری است که از قانونگذار می‌رود. از این منظر، قانونگذار باید بستری را فراهم آورد تا امنیت فضای مجازی در سپهر عمومی، به‌صورت روزآمد، بایسته و مبتنی بر رویکردهای علمی تأمین شود. امروزه ضمانت اجرای متعددی در نظام‌های حقوقی مختلف برای حمایت از آزادی‌های شهروندان در فضای مجازی پیش‌بینی شده است. از همین‌رو انتظار می‌رود قانونگذار با حکمت، درایت و اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه - نه انتزاعی - زمینه‌ای را برای تضمین حقوق شهروندان در فضای مجازی فراهم کند. با توجه به اینکه بحث ما ناظر بر طرح جدید موسوم به «صیانت» است، ضروری است به‌طور مشخص تبیین شود که جایگاه حق و آزادی در این طرح چیست. واژه «صیانت» نباید به‌عنوان مفهومی مبتذل یا مترادف با دخالت، نقض حریم خصوصی، رویکرد تفتیشی یا اقتدارگرایانه تلقی شود. واژگان باید در معنای اصیل و مصدر خود مورد توجه قرار گیرند. مهم‌ترین وجه انتخاب این واژه آن است که ناظر بر حمایت از حقوق شهروندان و تدوین و تضمین این حقوق در بستر یک فضای مجازی امن و مطمئن باشد؛ امری که به‌نظر می‌رسد باید به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. در واقع، جهان امروز شاهد تکاپوی نظام‌های حقوقی مختلف در مواجهه با فضای مجازی و چگونگی تنظیم روابط در حوزه عمومی، پلتفرم‌ها و مسئولیت آنهاست. اصل مسئولیت‌پذیری سکوها، پلتفرم‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات، موضوعی گسترده و اساسی در نظام‌های حقوقی جهان به‌شمار می‌رود و ما نیز از این تحولات متأثر هستیم. از این‌رو نگاه ما باید واقع‌گرایانه باشد و قانونگذاری صحیح و مبتنی بر واقعیت‌های موجود انجام شود. در حال حاضر، قانونگذاری ما از تحولات این حوزه عقب مانده است و از این رهگذر باید به این نکته توجه شود که زمینه‌های لازم برای حمایت از حقوق شهروندان در حوزه عمومی فراهم شود.

ساحل خونین سیدنی

گردهمایی یهودیان در استرالیا هدف حمله قرار گرفت و ۱۲ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر زخمی شدند
سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، ضمن تقبیح این حمله خشونت‌آمیز اعلام کرد:
ترور و کشتار انسان‌ها محکوم و مردود است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

روز یک‌شنبه ساحل نمادین بوندی که همواره صحنه شادی، ورزش و آرامش بوده است به صحنه یک کابوس هولناک تبدیل شد. در حالی که اعضای جامعه یهودیان سیدنی برای برافروختن اولین شمع حنوکا، جشن باستانی نور و پیروزی، گردهم آمده بودند، صدای شلیک‌های پیاپی، سرودهای مذهبی و خنده‌های کودکان را در خود خفه کرد. اگرچه تیراندازی‌های جمعی و خشونت با سلاح گرم، حتی با وجود قوانین سختگیرانه کنترل اسلحه، در تاریخ استرالیا سابقه داشته و برخی از آنها در شمار مرگبارترین حوادث این کشور قرار می‌گیرند اما این حمله مسلحانه که از سوی مقامات به‌عنوان یک «اقدام تروریستی» هدفمند توصیف شده، نه‌تنها جامعه استرالیا را در بهت و شوک فرو برد بلکه با واکنش‌های تند مقامات اسرائیلی، جرقه شکل‌گیری بحرانی دیپلماتیک و کم‌سابقه را نیز زد. این حمله همچنین موجی از واکنش‌های بین‌المللی و همدردی از سوی رهبران کشورهای جهان را به همراه داشت. براساس اولین گزارش‌ها که به سرعت در رسانه‌های عبری و استرالیایی منتشر شد، روزنامه «جروزالم پست» از کشته شدن ۱۰ نفر و زخمی شدن شدید ۶۰ تن دیگر خبر داد. اما ساعاتی بعد، وزیر اول ایالت نیوساوت ولز با چهره‌ای مغموم در برابر دوربین‌ها ظاهر شد و آمار قربانیان را فراتر از تصورات اولیه اعلام کرد که دست‌کم ۱۲ نفر در این حادثه جان باخته‌اند. او با لحنی قاطع تأکید کرد: «مقامات ایالتی و فدرال این رویداد را به‌عنوان یک حادثه تروریستی بررسی می‌کنند. شواهد اولیه به وضوح نشان می‌دهد که این حمله به‌طور مشخص جامعه یهودی را در نخستین روز از جشن‌های عید حنوکا هدف قرار داده است». نخست‌وزیر استرالیا نیز صحنه‌های رخ داده در بوندی را «هولناک و دردناک» خواند و اطمینان داد که تمام نیروهای پلیس و تیم‌های امدادی برای نجات جان‌ها و رسیدگی به مجروحان در محل حضور دارند.

| ادامه در صفحه ۳





حزب

استان زمین گیر

انتقاد حزب کارگزاران سازندگی
استان چهارمحال و بختیاری از عملکرد استاندار

گروه سیاسی: همزمان با سالگرد انتصاب استاندار چهارمحال و بختیاری و در آستانه سفر رئیس جمهور، حزب کارگزاران سازندگی استان با انتشار بیانیه‌ای صریح و هشدارآمیز از آنچه «رکود مدیریتی، آشفتنگی ساختار اجرایی و زمین گیر شدن توسعه استان» می خواند، پرده برداشت و خواستار بازنگری فوری در مدیریت عالی استان شد.

در این بیانیه آمده است: «حزب کارگزاران سازندگی استان چهارمحال و بختیاری به عنوان یکی از جریان های ریشه دار و مسئول در عرصه توسعه یافتگی کشور در آستانه سفر رئیس جمهور محترم و در سالگرد انتصاب استاندار فعلی ناگزیر است با لحنی بی پرده و صریح، نسبت به وضعیت نابسامان استان هشدار دهد. شرایط استان امروز چنان وخیم و نگران کننده است که سکوت در برابر آن، خیانت به مردم و بی توجهی به سرنوشت آینده این خطه خواهد بود.

یک سال از انتصاب استاندار گذشته است؛ سالی که نه به عنوان دوره ای از تلاش و پیشرفت بلکه به عنوان دوره ای از رکود، آشفتنگی مدیریتی، بی برنامه گی و واگذاری ساختار اداری استان به بدهی های سیاسی و سهم خواهی برخی افراد و جریان ها در حافظه مردم ثبت شده است. انتصابات فاقد منطق کارشناسی، که به گفته اذعان حامیان استاندار تحت فشار نمایندگان و گروه های ذی نفوذ و یا احتمالاً در یک فضای بدیستان رفاقتی شکل گرفته اند، نه تنها بنیان های حکمرانی استان را سست کرده بلکه شأن دولت و رئیس جمهور محترم را نیز در معرض تردید افکار عمومی قرار داده است. این حجم از انتصاب نیروهای کم تجربه، بی اثر و بعضاً مسئله دار در رأس دستگاه های اجرایی، شایسته هیچ دولت و هیچ استانی نیست. در چنین فضایی، توسعه اقتصادی استان به طور کامل زمین گیر شده است. پروژه های حیاتی نیمه تمام رها شده اند، سرمایه گذاران از استان گریزانند، واحدهای اقتصادی یکی پس از دیگری دچار رکود شده اند، ناامیدی در میان جوانان افزایش یافته و هیچ افق روشن و برنامه مدونی برای استفاده از ظرفیت های گسترده استان ارائه نشده است. مدیریتی که نتواند از بدیهی ترین فرصت های اقتصادی بهره برداری کند، چگونه می تواند مدعی حکمرانی در دوران بحران باشد؟

استاندارداری که باید محور انسجام، توسعه و گفت وگویی اجتماعی باشد عملاً به کانونی از انحصارطلبی، محدود کردن منتقدان، بی اعتنایی به نخبگان و قطع ارتباط با نیروهای مؤثر و بدنه حامی دکتر پزشکیان تبدیل شده است. آنچه در یک سال گذشته رخ داده، چیزی کمتر از ایجاد فضای خفقان اداری و سیاسی نیست؛ فضایی که در آن هر نقدی، تهدید تلقی می شود و هر مطالبه ای با برچسب زنی پاسخ داده می شود. این روند نه فقط نادرست بلکه خطرناک و ویرانگر است.

اکنون در آستانه سفر رئیس جمهور، تلاش آشکاری در حال انجام است تا واقعیت تلخ استان با نمایش های کنترل شده، حذف صداهای مخالف، روتوش اداری و ایجاد آرامش مصنوعی پنهان شود. چنین رفتاری توهین به مردم و بی احترامی به شخص رئیس جمهور است. استان چهارمحال و بختیاری، استانی با بحران های جدی معیشتی، محیط زیستی، صنعتی و اجتماعی است؛ نه صحنه ای برای گریم و بزک مدیریتی.

حزب کارگزاران استان با صراحت اعلام می کند که ادامه مدیریت فعلی، بزرگترین تهدید برای سرمایه اجتماعی دولت، آینده توسعه استان و اعتماد عمومی است. نارضایتی مردم، امروز به اوج رسیده و بخش قابل توجهی از حامیان دولت از عملکرد یک سال گذشته استاندار به شدت دلسرد و ناامید شده اند. این سطح از بی اعتمادی اگر جدی گرفته نشود، تبعات سنگینی برای دولت و برای استان خواهد داشت؛ تبعاتی که از هم اکنون نشانه های آن در ناامیدی و انزوای گسترده جوانان و نخبگان، کاهش مشارکت اجتماعی و فرسایش امید جمعی دیده می شود. بنابراین در این مقطع حساس، حزب کارگزاران سازندگی استان چهارمحال و بختیاری از رئیس جمهور محترم می خواهد در نخستین گام، پرونده مدیریت استان را به طور کامل بازنگری کرده و با تصمیمی قاطع، مسیر انحرافی یک سال گذشته را اصلاح کند. معیار انتصاب مدیران باید شایستگی، تجربه، پاکدستی و توان پاسخگویی باشد نه بدعکاری سیاسی و سهم خواهی جناحی. مردم این استان سزاوار مدیرانی قدرتمند، متخصص، شجاع و کارآمدند؛ نه مدیرانی که تنها هنرشان جلب رضایت چند حلقه محدود سیاسی باشد. ما اعلام می کنیم: استان چهارمحال و بختیاری در نقطه هشدار قرار دارد و اصلاح مدیریت استان یک ضرورت فوری، ملی و اجتناب ناپذیر است. امروز، مسئولیت با دولت است؛ فردا، داوری با مردم خواهد بود.»

هم اندیشی برای آینده

نشست دبیران اول استانی حزب کارگزاران سازندگی ایران برگزار شد



۱۲ روزه، بازخوانی مسائل بین الملل و جایگاه ایران در جهان و منطقه، تحلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی کنونی کشور و بررسی راهبردهای موجود برای کاهش فشار بر مردم بود.

همچنین دبیران اول استان ها، گزارشی از وضعیت استان های خود ارائه کرده و به بیان دغدغه های خود درباره مسائل کشور، ظرفیت ها و چالش های موجود پرداختند. اعضای شورای مرکزی حاضر در جلسه نیز ضمن تشریح رویکردهای کلان حزب به تبیین مواضع و چارچوب فعالیت های آتی حزب پرداختند و محورهای مختلفی ازجمله تقویت انسجام تشکیلاتی به روزرسانی شیوه های فعالیت حزبی، افزایش نقش آفرینی استان ها و هماهنگی بیشتر میان سطوح مختلف تشکیلات در این نشست مورد بررسی قرار گرفت.

یکی دیگر از موضوعات مهم مطرح شده در این جلسه انتخابات آینده شوراهای شهر و روستا در سراسر کشور بود که دبیران استانی به همراه اعضای شورای مرکزی با بررسی ابعاد مختلف این رویداد سیاسی بر نقش حزب و ضرورت برنامه ریزی مؤثر برای حضور فعال در این رقابت ها تأکید کردند. در این بخش، حاضران به بررسی لزوم برنامه ریزی منسجم، شناسایی ظرفیت های محلی، تربیت نیروهای کارآمد و حضور هدفمند حزب در این رویداد مهم پرداختند. همچنین بر نقش دبیران استانی در ساماندهی فعالیت های انتخاباتی و ارتباط مؤثر با بدنه اجتماعی تأکید شد. نشست دبیران اول استانی حزب کارگزاران سازندگی ایران، فرصتی برای هم افزایی تشکیلاتی، ارتقای توانمندی های فردی و سازمانی و هم راستاسازی برنامه های آینده حزب بود و ترکیب آموزش تخصصی و گفت وگویی تشکیلاتی در این نشست، نشان دهنده توجه حزب کارگزاران به توسعه سرمایه انسانی و تقویت ساختارهای درون حزبی است.



تعاملات درون سازمانی طراحی شده بود. در جریان این دوره شرکت کنندگان با چهار تیپ اصلی رفتاری در مدل DISC آشنا شدند و نحوه شناسایی ویژگی ها، نقاط قوت و زمینه های قابل بهبود هر الگوی رفتاری مورد بررسی قرار گرفت.

مدرس کارگاه با ارائه مثال های کاربردی، نقش شناخت رفتار فردی و جمعی را در افزایش بهره وری، بهبود ارتباطات، کاهش تعارضات و ارتقای اثربخشی فعالیت های تشکیلاتی تشریح کرد. همچنین تأکید شد که استفاده آگاهانه از مدل DISC می تواند به ایجاد یک زبان مشترک رفتاری در سازمان کمک کرده و موجب تقویت روحیه کار تیمی شود.

از دیگر محورهای مهم این کارگاه می توان به تقویت مهارت های حل تعارض، بهبود تعاملات بین فردی، افزایش هماهنگی در فعالیت های گروهی و ارتقای فرهنگ سازمانی همگرا اشاره کرد. در این دوره آموزشی همچنین به موضوع سبک های رهبری سازمانی پرداخته شد و ویژگی های یک رهبر مؤثر ازجمله توانایی ارتباط سازی، تصمیم گیری، مدیریت اختلافات و هدایت منابع انسانی مورد بحث قرار گرفت.

در پایان بخش آموزشی ضمن جمع بندی مطالب مطرح شده، گفت وگویی تعاملی میان شرکت کنندگان و مدرس کارگاه شکل گرفت و بر اهمیت بهره گیری از آموزش های نوین برای تقویت ساختارهای حزبی و سازمانی تأکید شد.

همگرایی تشکیلاتی و انتخاباتی

بخش دوم این نشست به جلسه هم اندیشی دبیران اول استان ها با اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران اختصاص داشت. مهم ترین محورهای مورد بحث در این بخش شامل بررسی وضعیت کشور در ماه های پس از جنگ

گروه سیاسی: نشست دبیران اول استانی حزب کارگزاران سازندگی ایران با حضور جمعی از اعضای شورای مرکزی برگزار شد. نشست که با هدف بررسی مسائل تشکیلاتی، ارتقای توانمندی های سازمانی و ترسیم برنامه های پیش رو فرصتی برای تبادل نظر میان دبیران اول استان ها و اعضای ارشد حزب را فراهم کرد. این گردهمایی به همت و راهبری شورای استان کرمان حزب کارگزاران برگزار شد تا به عنوان یکی از برنامه های منسجم تشکیلاتی حزب، نقش مؤثری در آماده سازی نیروهای استانی برای فعالیت های آینده ایفا کند.

در این نشست محسن هاشمی؛ رئیس شورای مرکزی حزب، علی هاشمی؛ قائم مقام دبیرکل، محمد عطریانفر؛ معاون سیاسی دبیرکل و امیر اقتصناعی؛ معاون اجرایی و هماهنگی دبیرکل حضور داشتند و دبیران اول استان ها نیز به عنوان نمایندگان تشکیلاتی حزب از سراسر کشور در این برنامه شرکت کردند. این برنامه در دو بخش مجزا برگزار شد که بخش نخست آن به یک کارگاه آموزشی تخصصی و بخش دوم به نشست هم اندیشی و بررسی مسائل تشکیلاتی و سیاسی اختصاص داشت.

آموزش رفتارشناسی سازمانی

در بخش اول نشست، کارگاه آموزشی با عنوان «رفتارشناسی براساس مدل جهانی دیسک (DISC) با تمرکز بر رفتار سازمانی» برگزار شد. مدرس این کارگاه، دکتر شعبان بلوریان بود که به تشریح مبانی نظری و کاربردی این مدل در محیط های سازمانی پرداخت.

این کارگاه آموزشی با هدف ارتقای مهارت های فردی و سازمانی، افزایش شناخت الگوهای رفتاری و بهبود

حاشیه سیاست

رویه ثابت یک نماینده

کوچک زاده دوباره به ظریف تاخت

گروه سیاسی: اظهارات اخیر مهدی کوچک زاده، نماینده مجلس، علیه محمدجواد ظریف دوباره توجه ها را به نوع صحبت برخی نمایندگان و تناسب آن با شأن مجلس جلب کرد. کوچک زاده در واکنش به سخنان ظریف در مصاحبه اخیرش که گفته بود: «چطور آمریکایی هستم، وقتی خود آمریکا من را تحریم کرده؟» با لحنی تند و کنایه آمیز او را «نوکر بی چیره و مواجب آمریکا» خواند و با اشاره به سرنوشت محمدرضا شاه تلاش کرد، اعتبار و استقلال سیاسی ظریف را زیر سوال ببرد. او این بخش از مصاحبه ظریف را در کانال تلگرامی اش منتشر کرد و در توضیح آن نوشت: «اینکه جوابش ساده است؛ همان طور که شاه آمریکایی را بعد از دوران استفاده اش راه ندادند و در بهر شدت تا مرد! ضمناً «نوکر بی چیره و مواجب» نشینده اید؟»

این اولین بار نیست که کوچک زاده از چنین ادبیاتی علیه ظریف استفاده می کند. مرور اظهار نظر های سابق او نیز نشان می دهد که حمله لفظی به وزیر خارجه پیشین و نماد دیپلماسی دولت های میانه رو به رویه ثابت او تبدیل شده و بارها به جای نقد منطقی عملکرد ظریف از عبارات تند، تحقیر آمیز و خارج از عرف گفت وگویی سیاسی استفاده کرده است. واکنش هایی که نشان می دهد، مسئله اصلی فقط اختلاف نظر سیاسی نیست.

اختلاف دیدگاه درباره مذاکره با آمریکا، برجام یا سیاست خارجی در عرصه سیاسی کاملاً طبیعی است. نکته مهم شیوه بیان این اختلاف ها از سوی کسی است که عنوان «نماینده ملت» را یک می کشد. از یک نماینده انتظار می رود حتی در مخالفت شدید از زبانی استفاده کند که با شأن مجلس سازگار بوده و

نشان دهند بلوغ سیاسی او باشد. تکرار توهین و برچسب زنی نه تنها به افکار عمومی کمک نمی کند بلکه به مرور جایگاه مجلس را هم در نظر مردم تضعیف می کند. وقتی نماینده ای به جای استدلال به تمسخر و تحقیر متوسل می شود، نشان می دهد که ابزار گفت وگویی منطقی یا توان دفاع کارشناسی از مواضع خود را ندارد و در چنین فضایی هم سیاست از عقلانیت به تسویه حساب شخصی تنزل پیدا می کند.

از طرف دیگر، ادامه این رفتارها نشان می دهد که برخی نمایندگان با الزامات نمایندگی آشنا نیستند. نمایندگی مجلس تنها فرصت گفتن حرف های تند و حاشیه سازی نیست؛ بلکه مستلزم رعایت حداقل اخلاق سیاسی، احترام به رقبا و توجه به پیامدهای اجتماعی سخنان است اما رفتار برخی نمایندگان در حال حاضر بیش از آنکه متناسب با جایگاه آنها باشد، شبیه نزاع های شخصی و کم ارزش است. تکرار این ماجرا به وضوح نشان می دهد که تعیین مرز میان نقد و تخریب و رعایت شأن نمایندگی چقدر ضروری است. بازگشت به بیان محترمانه و نقد منطقی، نه تنها به نفع چهره های سیاسی است بلکه اعتبار مجلس را هم تقویت می کند.

ادامه تیتربک

ساحل خونین سیدنی

در همان دقایق ابتدایی، هرج‌ومرج و وحشت بر منطقه حاکم بود. شاهدان عینی از فرار مردم وحشت‌زده در تمام جهات و صدای بی‌امان آژیر آمبولانس‌ها و خودروهای پلیس سخن می‌گفتند. در میان این آشوب، نیروهای امنیتی به سرعت وارد عمل شدند. هویت یکی از مهاجمان مسلح، «نارفید اکرم» ساکن جنوب غربی سیدنی، شناسایی و محل سکونت او بلافاصله به محاصره نیروهای ویژه درآمد. عملیات پلیس با سرعت و قاطعیت ادامه یافت؛ یکی از مهاجمان در جریان درگیری به ضرب گلوله کشته شد و فرد دیگری که مجروح بود، دستگیر و تحت درمان قرار گرفت. با این حال پلیس با صدور بیانیهای فوری اعلام کرد: «اگرچه دو نفر دستگیر شده‌اند، عملیات امنیتی همچنان ادامه دارد و ما از همه می‌خواهیم که از این منطقه دوری کنند». این بیانیه نشان از گستردگی و پیچیدگی تهدید داشت. گزارش شبکه ای‌بی‌سی استرالیا به این نگرانی دامن زد و فاش کرد که پلیس همزمان در حال خنثی کردن یک بمب دست‌ساز و مقابله با یک تهدید بمب‌گذاری دیگر در همان منطقه است؛ خبری که نشان می‌داد، فاجعه می‌توانست ابعادی به مراتب وحشتناک‌تر داشته باشد. اما با کنترل نسبی اوضاع در سیدنی، توفان اصلی در عرصه دیپلماتیک آغاز شد. مقامات اسرائیلی، نه‌تنها این حمله را محکوم کردند بلکه با لحنی بی‌سابقه و تند، دولت استرالیا را مستقیماً مسئول این فاجعه دانستند. «اسحاق هرتزوگ» رئیس رژیم اسرائیل، این

اروپا

غروب صلح آمریکایی

راه اروپا از آمریکا جدا می‌شود؟

برای بیش از ۷ دهه، نظم جهانی بر پایه اصلی استوار بود که به «صلح آمریکایی» (Pax Americana) شهرت یافت. این دوران، که پس از خاکست‌های جنگ جهانی دوم و در بحبوحه جنگ سرد شکل گرفت با قدرت نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک ایالات متحده تعریف می‌شد. اروپا، قاره‌ای که دو جنگ ویرانگر جهانی را تجربه کرده بود تحت این چتر امنیتی به بازسازی، همگرایی و شکوفایی بی‌سابقه‌ای دست یافت. اتحاد فرآتلانتیک، که در قالب ناتو تبلور یافت، نه‌تنها یک پیمان نظامی بلکه نمادی از ارزش‌های مشترک، دموکراسی و تعهد به دفاع جمعی بود. اما امروز به‌نظر می‌رسد، این دوران طلایی به پایان خود نزدیک می‌شود. اظهارات صریح و هشدارآمیز فردریش مرتس، صدراعظم آلمان و یکی از بانفوذترین رهبران محافظه‌کار اروپا مبنی بر اینکه «صلح آمریکایی... تا حد زیادی به پایان رسیده و دیگر به شکلی که قبلاً می‌شناختیم، وجود ندارد» صرفاً یک بیانیه سیاسی نیست بلکه بازتابی از یک واقعیت تلخ و رو به گسترش است که معماری امنیتی غرب را در آستانه دگرگونی بنیادین قرار داده است. این گزارش با نگاهی عمیق و تحلیلی به ریشه‌ها، ابعاد و پیامدهای این گسست تاریخی می‌پردازد و چشم‌انداز آینده روابط اروپا و آمریکا را در پرتو بحران اوکراین و سیاست‌های جدید واشنگتن مورد واکاوی قرار می‌دهد.

واگرایی متناقض

تهاجم نظامی تمام‌عیار روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ در نگاه نخست به‌منابه قدرتمندترین عامل همگرایی فرآتلانتیک در دهه‌های اخیر عمل کرد. وحشت از تجاوز آشکار به حاکمیت یک کشور مستقل در قلب اروپا، غرب را به شکلی بی‌سابقه متحد کرد. ایالات متحده با به‌دست گرفتن رهبری ناتو احیا شده، جبهه‌ای مشترک و قدرتمند علیه کرملین سامان داد. تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، ارسال سیل‌آسای تسلیحات پیشرفته به کی‌ف و تقویت چشمگیر جناح شرقی ناتو همگی نشان از عزم و اراده یکپارچه غرب برای مقابله با تجاوز روسیه داشت. این نمایش قدرت و همبستگی بسیاری را به این باور رساند که اتحاد فرآتلانتیک قوی‌تر از هر زمان دیگری است. اما این تصویر هماهنگ دیری نپایید. در زیر پوسته این اتحاد ظاهری، شکافی عمیق و بنیادین در اهداف راهبردی دو سوی اقیانوس اطلس در حال گسترش بود. برای کشورهای اروپایی، به‌ویژه دولت‌های خط مقدم مانند لهستان و کشورهای حوزه بالتیک، تجاوز روسیه یک تهدید وجودی و مستقیم علیه ثبات و امنیت کل قاره محسوب می‌شد. از منظر آنها این جنگ تنها بر سر تمامیت ارضی اوکراین نبود بلکه نبردی برای دفاع از اصول بنیادین نظم بین‌المللی و جلوگیری از بازگشت به عصر امپراتوری‌ها و حوزه‌های نفوذ بود. بنابراین هدف اروپا دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار بود که نه‌تنها حاکمیت اوکراین را به‌طور کامل احیا کند بلکه روسیه را در چنان موقعیت بازدارنده‌ای قرار دهد که دیگر

اقدام را «حمله‌ای وحشیانه از سوی تروریست‌ها علیه یهودیان در روز عید حنوکا» خواند. اما این تنها آغاز واکنش‌ها بود. «گدعون ساعر» وزیر خارجه اسرائیل در پیامی که لحن آن بیش از همدردی، رنگ و بوی اتهام داشت، اعلام کرد: «آنچه اتفاق افتاده، نتیجه تحریک و جو یهودستیزی در خیابان‌های استرالیا طی دو سال گذشته است». او در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت که این حادثه نتیجه موج خشونت‌های ضدیهودی است که در قالب «فراخوان‌ها و تحریک‌های ضدیهودی و آنچه جهانی‌سازی انتفاضه فلسطینی خواند» بروز یافته است. ساعر با مخاطب قرار دادن مستقیم دولت کانبرا، افزود: «دولت استرالیا، که به گفته او هشدارهای متعددی دریافت کرده بود، باید از غفلت خارج شود و مسئولیت‌های خود را به‌طور جدی برعهده بگیرد». مقامات اسرائیلی با مقایسه صحنه‌های سیدنی با ۷ اکتبر تلاش کردند به این رخداد بار عاطفی و امنیتی سنگینی بدهند.

تل‌آویو مدعی است که سازمان جاسوسی موساد پیش از این، هشدارهای مشخصی را در مورد احتمال هدف قرار گرفتن جامعه یهودیان به مقامات استرالیا اطلاع داده بود. با این حال شدیدترین و تکان‌دهنده‌ترین بیانیه از سوی وزارت امور یهودیان خارج از اراضی اشغالی صادر شد. این وزارتخانه که تحت مدیریت «امیخای شیکلی»، وزیر تسدرو و جنجالی حزب لیکود قرار دارد با صدور بیانیه‌ای آتشین، رسماً اعلام کرد: «خون قربانیان بر دستان دولت

استرالیااست». این بیانیه که در تاریخ روابط دو کشور بی‌سابقه بود، دولت استرالیا را متهم کرد که «تمام توان خود را به کار گرفته تا یهودیان استرالیا نتوانند به‌عنوان یهودی با امنیت، آرامش و آسودگی در کشور خود زندگی کنند». این وزارتخانه با اشاره به وقایع پس از هفتم اکتبر مدعی شد که کانبرا «به جای ایستادن قاطع و بی‌ابهام در کنار دولت اسرائیل... سیاست ضعف، خویشستنداری و مماشات» را در پیش گرفته و با «دشمنان تمدن غرب» مماشات می‌کند. در ادامه این بیانیه آمده است: «تمام گزارش‌ها، پژوهش‌ها و داده‌های در اختیار وزارت امور یهودیان مهاجر نشان می‌دهد که استرالیا ازجمله کشورهای غربی است که از هفتم اکتبر شاهد یکی از شدیدترین و نگران‌کننده‌ترین افزایش‌ها در حوادث یهودی‌ستیزانه بوده است... هشدارها، درخواست‌ها و تلاش‌های مکرر برای تعامل با مقام‌هاف بارها و بارها با دیوار بی‌تفاوتی مواجه شده است».

«بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل نیز بر این آتش دمید و در سخنانی گفت: «آنچه در استرالیا اتفاق افتاد وحشتناک است... یهودستیزی یک سرطان است و وقتی رهبران سکوت می‌کنند، گسترش می‌یابد. ما در حال نبردی علیه یهودستیزی جهانی هستیم و راه مقابله با آن، محکوم کردن و مبارزه با آن است. آنچه در استرالیا اتفاق افتاد، نتیجه عدم مقابله رهبران با یهودستیزی است».

در میانه این توفان سیاسی، ایران نیز به این حادثه واکنش

رهبران بریتانیا، فرانسه و آلمان در اقدامی هماهنگ، طرح متقابل ۲۸ بندی خود را ارائه کردند که ضمن رد قاطعانه هرگونه واگذاری اجباری اراضی، بحث درباره عضویت احتمالی آینده اوکراین در ناتو را به‌عنوان یک حق حاکمیتی، باز می‌گذاشت. این رویارویی مستقیم، شکافی را که سال‌ها در حال شکل‌گیری بود به‌طور کامل عیان کرد.

تغییر پارادایم

رویدادهای پیرامون طرح صلح، تأییدی بر یک تغییر پارادایم عمیق در ماهیت روابط فرآتلانتیک بود؛ گذار از الگویی مبتنی بر ارزش‌های مشترک و اعتماد متقابل به رابطه‌ای که به‌طور فزاینده‌ای معامله‌محور، مشروط و غیرقابل پیش‌بینی شده است. لحن تند و انتقادی راهبرد امنیت ملی جدید آمریکا علیه اروپا شاهدهی بر این مدعااست. این سند، اروپا را به داشتن «انتظاراتی غیرواقع‌بینانه» از جنگ متهم کرده و مسیر کنونی آن را به خطر «محو تمدنی» تهدید می‌کند؛ عبارتی که فاصله‌ای کهکشانی با گفتمان سنتی و محترمانه مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک مشترک دارد. این موضع‌گیری، اعتماد عمومی به آمریکا را در سراسر قاره درهم شکسته و نظر‌سنجی‌ها از تنزل شدید نگاه افکار عمومی اروپا به ایالات متحده حکایت دارند. در نتیجه این تحولات، رهبران اروپایی اکنون آشکارا و با اضطراری روزافزون به‌دنبال «خودمختاری راهبردی» (Strategic Autonomy) هستند. این مفهوم که زمانی یک ایده عمدتاً فراقسوی و آکادمیک تلقی می‌شد اکنون به یک ضرورت حیاتی برای بقای امنیت و نفوذ اروپا بدل شده است. درک این واقعیت که باید هرچه سریع‌تر انتالف‌هایی تازه با سایر قدرت‌ها شکل داد، وابستگی‌های راهبردی (چه در حوزه انرژی و چه در زنجیره‌های تأمین) را کاهش داد و مهم‌تر از همه، مسئولیت اصلی دفاع از خود را برعهده گرفت به گفتمان غالب در بروکسل، برلین و پاریس تبدیل شده است.

ترسیم مسیری جدید

جنگ اوکراین، در نهایت، به‌جای آنکه آمریکا و اروپا را به هم نزدیک‌تر کند، شکافی عمیق را آشکار کرد، قطعیته‌های کهنه را فرو ریخت و اروپا را واداشت تا مسیر تازه‌ای، مستقل‌تر و پرمخاطره‌تر را در جهانی ترسیم کند که دیگر شاید نتواند بر قدیمی‌ترین متحد خود تکیه کند. پایان «صلح آمریکایی» به معنای آغاز هرج و مرج نیست بلکه به معنای پایان دورانی است که در آن اروپا می‌توانست، امنیت خود را به دیگری برون‌سپاری کند. آینده روابط فرآتلانتیک به یک شراکت بازتعریف شده بستگی خواهد داشت؛ شراکتی که در آن اروپا نه به‌عنوان یک وابسته امنیتی بلکه به‌عنوان یک قطب قدرتمند، مستقل و برابر ایفای نقش کند. این گذار مستلزم سرمایه‌گذاری‌های عظیم در صنایع دفاعی، هماهنگی سیاسی عمیق‌تر در میان اعضای اتحادیه اروپا و اراده‌ای برای پذیرش مسئولیت‌های جهانی است. این مسیر، مسیری دشوار و پر از چالش خواهد بود اما به نظر می‌رسد تنها راه برای اروپا جهت حفظ امنیت، شکوفایی و ارزش‌های خود در قرن بیست‌ویکم است. جهان نظاره‌گر است که آیا اروپا از این آزمون تاریخی سربلند بیرون خواهد آمد و به بازیگری تبدیل خواهد شد که سرنوشت خود را در دست دارد یا خیر.



نشان داد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ما حمله خشونت‌آمیز در سیدنی استرالیا را محکوم می‌کنیم. ترور و کشتار انسان‌ها در هر کجا ارتکاب یابد، مردود و محکوم است».

اکنون، در حالی که تحقیقات پلیس استرالیا برای کشف تمام ابعاد، انگیزه‌ها و عوامل پشت پرده این حمله خونین ادامه دارد، شهر سیدنی در بهت و اندوه فرو رفته است. این حمله نه‌تنها امنیت جامعه یهودیان استرالیا را به شدت زیر سوال برده بلکه روابط دیپلماتیک کانبرا و تل‌آویو را در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی بی‌چالشی بی‌سابقه مواجه کرده است. سوالی که اکنون در ذهن بسیاری از استرالیایی‌ها طنین‌انداز است، این است که چگونه کشوری که به چندفرهنگی و صلح‌آمیز بودن خود می‌بالید به صحنه چنین نفرتی تبدیل شد و دولت چگونه به اتهامات سنگین متحد نزدیک خود پاسخ خواهد داد.

خاورمیانه

مرگ سربازان آمریکایی

ترامپ وعده انتقام داد

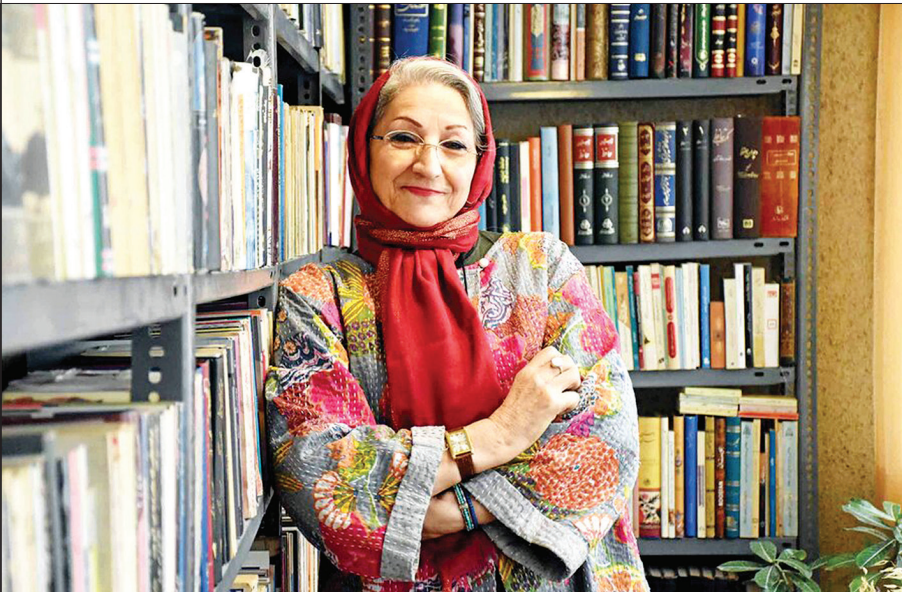
در یک حمله منصوب به داعش در سوریه، دو سرباز آمریکایی و مترجم‌شان کشته شدند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، قول داده که این حمله را «تلافی» می‌کند. فرماندهی مرکزی ایالات‌متحده «سنتکام» در پیامی در شبکه ایکس اعلام کرد که دو سرباز و یک غیرنظامی توسط یک فرد مسلح داعشی در سوریه مورد کمین قرار گرفتند. سسه سرباز آمریکایی دیگر نیز در این حمله زخمی شده‌اند. سنتکام افزود: «فرد مسلح نیز در درگیری کشته شد». شان پارزل، سخنگوی ارشد پنتاگون گفت که سربازان در پالمیرا در حال انجام «تعامل با رهبران کلیدی» در حمایت از عملیات ضدداعش و ضدتروریسم در منطقه بودند. پیت هگست، وزیر دفاع ایالات متحده که اکنون به‌عنوان وزیر جنگ نیز شناخته می‌شود، مهاجم را یک «وحشی» خواند. هگست گفت: «بدانید، اگر آمریکایی‌ها را در هر کجای دنیا هدف قرار دهید، بقیه عمر کوتاه و پراضطراب خود را با این آگاهی سپری خواهید کرد که ایالات متحده شما را شکار می‌کند، شما را پیدا می‌کند و بی‌رحمانه شما را می‌کشد». این اولین حمله مرگبار بر نیروهای آمریکایی از زمان برکناری بشار اسد در سال گذشته است. تام باراک، سفیر ایالات متحده در ترکیه و فرستاده ویژه در امور سوریه، گفت که او «کمین بردلانه تروریستی که یک گروه عملیاتی مشترک حکومت ایالات متحده و سوریه را در مرکز سوریه هدف قرار داد» را به‌شدت محکوم می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در پستی در پلتفرم اجتماعی تروث سوشیال خودش گفت: «ما از دست دادن سه میهن‌پرست بزرگ آمریکایی در سوریه را سوگواریم». ترامپ گفت، منطقه‌ای که حمله در آن رخ داده «بسیار خطرناک» است و افزود که احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه «از این حمله به‌شدت عصبانی و نگران است». ترامپ افزود: «انتقام بسیار جدی در انتظارشان خواهد بود». وزارت داخله سوریه اعلام کرد که «هشدارهای قبلی از سوی فرماندهی امنیت داخلی» به نیروهای متحد که در مناطق بیابانی مرکز سوریه فعالیت می‌کنند، داده شده بود.



موسیقی

موسیقی به مثابه مسئولیت

روایت پری ملکی از نقش زنان در موسیقی ایران



پری ملکی، موسیقی‌دان و سرپرست گروه «خنیا» می‌گوید: «برای من موسیقی تنها یک فعالیت هنری نبود بلکه یک دغدغه و یک مسئولیت بود.» و نقش زنان را در موسیقی ایران بسیار پررنگ می‌داند.

حضور همیشگی موسیقی

این هنرمند در گفت‌وگو با ایسنا گفته است: «موسیقی همواره در زندگی‌ام حضور داشته و از کودکی با موسیقی ارتباطی عمیق برقرار کردم. از ۸ سالگی در جمع دوستان و خانواده‌ام کنسرت اجرا می‌کردم. به یاد دارم پدرم یک رادیو خریداری کرده بود و من روزها همراه با مادرم برنامه گل‌ها را از جعبه موسیقی گوش می‌کردم. از دوران نوجوانی، دغدغه‌ام موسیقی بود و حتی زمانی که از ایران به خارج مهاجرت کردم، نتوانستم از این عشق فاصله بگیرم. من در آن دوران از ایران دور بودم و طبیعتاً با شرایط جدید در یک فضای متفاوت زندگی می‌کردم اما همیشه موسیقی در ذهن و قلبم بود چراکه هیچ چیز نمی‌تواند، جای این هنر بزرگ را بگیرد. وقتی به ایران برگشتم، احساس کردم باید همچنان در این مسیر حرکت کنم. برای من، موسیقی تنها یک فعالیت هنری نبود بلکه یک دغدغه و یک مسئولیت بود.»

تلاش برای حضور زن در موسیقی ایران

سرپرست گروه «خنیا» در پاسخ به این سوال که چه چیزی او را به ادامه مسیر هنری‌اش و تدریس تشویق کرده است، گفت: «در این سال‌ها، هدف اصلی من این بوده که هنرمندان جوان را پیدا کنم و آن‌ها را در مسیر درست هدایت کنم. وقتی می‌بینم که هنرجوهایم قابلیت‌های منحصر به فرد دارند، حس می‌کنم که هدفم را در زندگی پیدا کرده‌ام. در حال حاضر بیش از صد زن در گروه‌های آموزشی من حضور دارند و بسیاری از آن‌ها به خوانندگی و تدریس موسیقی در جای جای دنیا پرداخته‌اند. این برای من بسیار خوشحال‌کننده است که توانستم، بخشی از این حرکت را به جلو ببریم و در آموزش هنرمندان زن نقشی ایفا کنم. در همه این سال‌ها، همیشه هدفم این بوده که حضور زن در موسیقی ایرانی همچنان زنده بماند و تا آن‌جا که بتوانم در این راستا تلاش کنم.»

اشتراکات و افتراقات مکتب تهران و مکتب اصفهان

ایسن هنرمند به بررسی تفاوت مکتب‌های موسیقی ایرانی، به‌ویژه مکتب‌های آوازی تهران و اصفهان پرداخت و با اشاره به این که این دو مکتب در اصل از یک پایه واحد سرچشمه می‌گیرند، توضیح داد: «مکتب تهران و مکتب اصفهان از لحاظ کلی به یک پایه مشترک وصل هستند اما در جزئیات و نحوه اجرا، تفاوت‌هایی دارند؛ تفاوت‌هایی که بیشتر به سلیقه و شیوه اجرا برمی‌گردد. مکتب تهران اغلب تحریرهای پیش‌تری دارد و از نظر تکنیکی ممکن است کمی پیچیده‌تر باشد اما در نهایت، هدف همه این‌ها انتقال احساسات و مفاهیم از طریق آواز است. من همیشه به شاگردانم تأکید می‌کنم که باید ابتدا بیس و پایه موسیقی را خوب یاد بگیرند و بعد به هر مکتب و سبکی که علاقه دارند، بروند.» او با اشاره به این که خودش شاگرد

استادان بزرگی مانند بنان، کریمی، جهان‌دار و پایور بوده است، تأکید کرد: «از هر یک از این استادان نکات بسیار ارزش‌مندی یاد گرفتم و این به من کمک کرد تا امروز بتوانم در کنار آموزش به دیگران، خودم هم به موسیقی ادامه دهم و معتمد مکتب استاد بنان بسیار وسیع بود و با همه احترامی که برای اساتید عزیز قائل هستم اما باید یادآور شوم، بنان را طوری دیگر باید دید و شناخت.»

زبان جهانی موسیقی

سرپرست گروه «خنیا» درباره تجربه‌هایش در اجراهای بین‌المللی و برخورد با مخاطبان غیرایرانی توضیح داد: «در بسیاری از کشورهای اروپایی اجرای ما داشتیم که اغلب تماشاگران آن‌ها ایرانی نبودند. این تجربه‌ها برای من بسیار جالب بود. در واقع، مخاطبان غیرایرانی به‌گونه‌ای واکنش نشان می‌دادند که نشان می‌داد آن‌ها با موسیقی و احساسات آن ارتباط برقرار کرده‌اند حتی اگر زبان فارسی را نمی‌فهمیدند. در یکی از کنسرت‌ها در جنوب آلمان، شهردار شهر از من دعوت کرد که به مناسبت یک مراسم فرهنگی اجرا کنم. جالب این بود که بیشتر تماشاگران، غیرایرانی و از فرهنگ‌های مختلف بودند. آن‌ها بدون این که فارسی بدانند، درک عمیقی از موسیقی و شعر ایرانی پیدا کرده بودند.» او با اشاره به واکنش‌های مخاطبان غیرایرانی گفت: «این برای من خیلی جذاب بود که می‌دیدم، مردم می‌توانند بدون این که زبان را بفهمند، ارتباط معنوی و احساسی با موسیقی برقرار کنند. این نشان می‌دهد که موسیقی یک زبان جهانی است که فراتر از مرزهای فرهنگی و زبانی، تأثیرگذار است.»

او در توضیح اهمیت شعر در موسیقی ایرانی تأکید کرد: «شعر و موسیقی در فرهنگ ایرانی کاملاً به هم آمیخته‌اند. موسیقی ایرانی بدون شعر نمی‌تواند، تأثیری عمیق بر شنونده بگذارد. شعرهایی که در موسیقی ایرانی استفاده می‌شود معمولاً دارای بار عاطفی بسیار زیادی هستند که خواننده باید توانایی انتقال آن‌ها را داشته باشد. همیشه به شاگردانم یاد می‌دهم که برای خواندن هر شعر باید بتوانند، بار عاطفی آن را به‌درستی منتقل کنند و شعر را طوری بخوانند که شنونده آن را احساس کند. این چیزی است که متأسفانه در برخی از خواننده‌ها وجود ندارد. بسیاری از خوانندگان تنها به تکنیک‌های آواز توجه دارند و به عمق شعر و معنای آن اهمیت نمی‌دهند. زنان نقشی بسیار پررنگ در دنیای موسیقی ایران داشتند. بسیاری از هنرمندان برجسته هم‌چنان یاد و آثارشان در خاطر مردم باقی مانده است. در این سال‌ها تلاش زیادی کردم به زنان کمک کنم تا هنر خود را پیدا کنند و در فضای موسیقی حضور داشته باشند. باوجود تمام مشکلات، همچنان به دنبال این بودم که در آموزش و اجراهای موسیقی به زنان فرصتی برای نمایش توانمندی‌هایشان بدهم.»

پری ملکی در پایان این گفت‌وگو که در اصفهان انجام شده است با احترام به یاد ناهید دایی جواد، هنرمند اصفهانی اشاره کرد و گفت: «یاد این هنرمند فقید همیشه با من خواهد بود. او یکی از هنرمندانی بود که همیشه برای من الهام‌بخش بود. تحریرهای زیبایی او، تأثیر عمیقی بر من گذاشت و همیشه برای من نمونه‌ای در موسیقی ایرانی باقی ماند.»

صدای خاموش نشدنی

سوفی کینزلا نویسنده رمان‌های پرفروش «معتاد به خرید» در ۵۵ سالگی درگذشت

عاشق هم شدند. این زوج صاحب چهار پسر و یک دختر شدند. پس از فارغ‌التحصیلی، کینزلا به عنوان خبرنگار مالی مشغول کار شد و زمان رفت‌وآمدش را صرف خواندن می‌کرد. ایده نوشتن داستان توسط خودش در قطار شکل گرفت و در ساعات ناهار روی نخستین رمانش کار می‌کرد.

سوفی کینزلا نخستین رمانش، «The Tennis Party»، را در سال ۱۹۹۵ با نام مدلین ویکهام منتشر کرد. کمی بعد، کار خبرنگاری را رها کرد تا بر نویسندگی تمرکز کند. سپس ۶ کتاب دیگر از جمله «The Gatecrasher» و «Sleeping Arrange» منتشر کرد.

موفقیت خریدباز

یک خرید کاملاً معمولی جرقه نوشتن نخستین رمان «خریدباز» را در ذهنش زد. کینزلا در سال ۲۰۱۹ در پادکست «The Sunday Salon with Alice-Azania Jarvis» گفت: «به یاد دارم، دوروبرم را نگاه می‌کردم و فکر می‌کردم... همه خرید می‌کنیم... درباره‌اش حرف می‌زنیم. انجامش می‌دهیم. از آن لذت می‌بریم. تصمیم‌های بد می‌گیریم. چرا هیچ‌کس درباره این موضوع ننوشته است؟» کینزلا داستانی درباره بکی بلوموود خلق کرد، خبرنگار مالی بیست‌وچندساله‌ای که به خاطر عادت خریدی که نمی‌تواند (یا نمی‌خواهد) کنار بگذارد، به‌دکار شده است. رمان شامل مکاتبات

سوفی کینزلا (کینسلا)، نویسنده بریتانیایی که کم‌دی-رماتیک بانشاط «اعترافات یک خریدباز» او آغازگر مجموعه پرفروش «خریدباز / معتاد به خرید» شد، در ۵۵ سالگی به‌خاطر ابتلا به سرطان مغز درگذشت.

خانواده کینزلا در بیانیه‌ای در حساب اینستاگرامش اعلام کردند: «او آرام درگذشت و روزهای پایانی‌اش سرشار از عشق‌های واقعی‌اش بود؛ خانواده، موسیقی، گرما، کریسمس و شادی. نمی‌توانیم تصور کنیم، زندگی بدون درخشش و شور زندگی او چگونه خواهد بود.»

کینزلا که با نام واقعی خود، مدلین ویکهام نیز منتشر می‌کرد، در آوریل ۲۰۲۴ اعلام کرد بیش از یک سال پیش به گلیوبلاستوما، نوعی تهاجمی از سرطان مغز، مبتلا تشخیص داده شده بود. او در آن زمان گفت: «من پیش‌تر این موضوع را مطرح نکردم چون می‌خواستم مطمئن شوم، فرزندانم بتوانند خبر را در خلوت بشنوند و پردازش کنند و به «عادی جدید» ما عادت کنند.»

کینزلا از سال ۲۰۰۰ ده رمان از مجموعه «خریدباز» منتشر کرد که با «The Secret Dreamworld of a Shopaholic» آغاز شد و در ایالات متحده با عنوان «اعترافات یک خریدباز» منتشر شد و آثار داستانی دیگری نیز نوشت. کتاب‌های او بیش از ۴۵ میلیون نسخه در جهان فروش داشته و به ده‌ها زبان ترجمه شده‌اند.

از دنیای مالی تا داستان نویسی

سوفی کینزلا از کودکی قصد نویسنده شدن نداشت. او یکی از سه دختری بود که در خانواده‌ای معلم در لندن به دنیا آمد و در کودکی پیانو و ویولن می‌نواخت و آهنگ هم می‌ساخت. او در پادکست «Moms Don't Have Time to Read Books» به نویسنده و ناشر، زیبی اوونز، گفت که ایده نوشتن هرگز به ذهنش خطور نکرده بود: «این آرزوی کودکی من نبود. آن بچه‌ای نبودم که راه بروم و بگویم: یک روز رمان می‌نویسم.»

کینزلا برای تحصیل موسیقی در دانشگاه آکسفورد ثبت‌نام کرد اما پس از یک سال به رشته سیاست، فلسفه و اقتصاد تغییر رشته داد. در دوران دانشگاه با هنری ویکهام، موسیقی‌دان، آشنا شد و

فیلم مستند

هویدای ناقص

نگاهی به مستند سیاسی هویدا؛ یک پرتره صوتی

محمد تقی‌زاده

منتقد

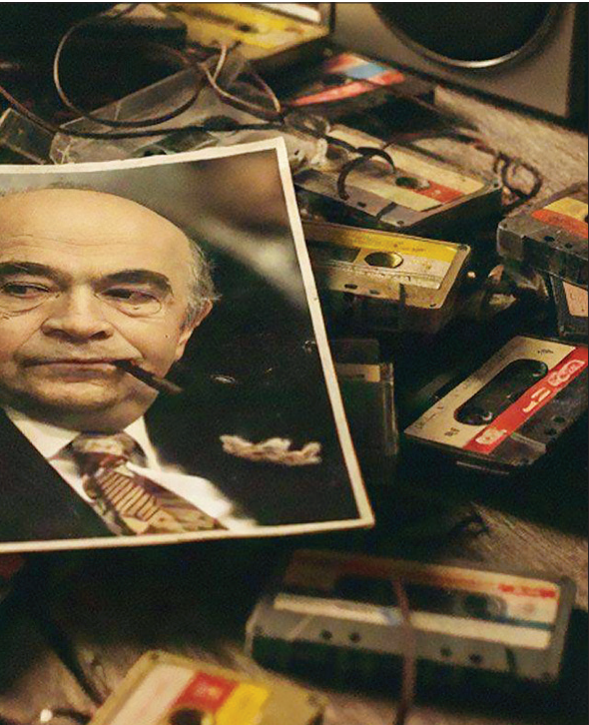
مستند «هویدا، یک پرتره صوتی» تلاشی تازه برای بازنمایی یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است که در جشنواره نوزدهم سینماحقیقت به‌نمایش درآمده است.

امیرعباس هویدا، نخست‌وزیری که ۱۳ سال بر مسند قدرت نشست و سرانجام با دستگیری و محاکمه‌اش به نماد سقوط نظام پهلوی بدل شد. این مستند با انتخاب فرم «پرتره صوتی» و بهره‌گیری از نوارهای ضبط شده نزدیکان دولت و دوستان هویدا، رویکردی متفاوت از آثار پیشین در پیش گرفته است. استفاده از صداها واقعی اشخاص حقیقی، اعتبار پژوهشی اثر را افزایش داده و به مخاطب امکان می‌دهد با لحن و فضای گفتار نزدیکان هویدا ارتباط مستقیم برقرار کند. صداها به‌مثابه سند تاریخی عمل می‌کنند و روایت را از سطح بازسازی یا بازگویی صرف فراتر می‌برند. در کنار این، تصاویر طراحی شده براساس نوارها، ترکیبی تازه میان صوت و تصویر ایجاد کرده‌اند.

پیش‌تر محمدحسین مهدویان در مستند داستانی «ایستاده در غبار» از الگوی مشابهی بهره برده بود؛ یعنی بازسازی روایت بر پایه نوارهای صوتی. با این حال، تفاوت مهم «هویدا یک؛ پرتره صوتی» در ساختار اپیزودیک آن است. برخلاف روایت دراماتیک و خطی مهدویان، این مستند فصل‌به‌فصل پیش می‌رود و هر اپیزود به بخشی از زندگی و کارنامه هویدا اختصاص دارد. همین انتخاب باعث می‌شود، روایت بیشتر به پژوهش تاریخی نزدیک شود تا به



درام سینمایی. علاوه بر نوارهای صوتی کمتر شنیده شده، فیلم از آرشیو تصویری کمتر دیده شده شامل عکس‌ها و فیلم‌های مربوط به هویدا و آن دوره بهره می‌برد. این تصاویر جذابیت بصری و پژوهشی اثر را ارتقا داده و به مخاطب امکان می‌دهد با فضای تاریخی دهه‌های





مسیر سخت بلوغ دختران

نگاهی به نمایش **کوراالین** به تهیه‌کنندگی مریم نراقی

علیرضا گوهری

گزارشگر

پیدا می‌کند؛ دری که به دنیایی دیگر باز می‌شود. دنیایی رنگی‌تر، هیجان‌انگیزتر و ظاهراً مهربان‌تر. در آنجا (مادر دیگر) منتظر اوست، زنی که نسخه کامل‌تر و جذاب‌تر از مادر واقعی خودش است، دست‌پخت بهتر دارد، توجه بیشتری نشان می‌دهد و دنیا را بدون سختی و حتی بدون مسئولیت در اختیار او می‌گذارد. اما همان‌طور که همیشه در روایت‌های خوب اتفاق می‌افتد این جهان جذاب یک بهای پنهان دارد؛ باید چشم‌هایت را بدهی و چشم‌های دکمه‌ای بگیری. دنیای دوم می‌خواهد کودکی را که پا به آن می‌گذارد، در خود نگه دارد. می‌خواهد او را از رشد بازدارد، از انتخاب محروم کند و او را به یک «عروسک» تبدیل کند. اینجاست که داستان کوراالین از یک ماجراجوی فانتزی به یک روایت تکان‌دهنده درباره استقلال نوجوان تبدیل می‌شود. نوجوان باید انتخاب کند که کدام دنیا و خانه را می‌خواهد؛ راحتی فریبنده یا واقعیت سخت؟ او باید با ترس‌اش روبه‌رو شود. مادر دیگر در واقع سایه‌ای از وابستگی بیمارگونه است. باید به خودش تکیه کند. هیچ‌کس قرار نیست او را نجات دهد، مگر خودش. این همان دلیلی است که نوجوانان به «کوراالین» واکنش عمیق نشان می‌دهند. داستان حرفی بزرگ می‌زند اما با زبانی ساده. بزرگ شدن یعنی نگاه کردن در چهره ترس و عبور کردن از آن.

نمایش ایرانی کوراالین به کارگردانی امیدرضا سپهری نیز تلاش کرده همین هسته را حفظ کند. دکور بزرگ و چندلایه، نورهای پرکنتر است و حضور بازیگران بسیار، جهان دوگانه داستان را تقویت می‌کنند. از یک طرف شلوغی، جذابیت و سرزندگی جهان دیگر؛ از طرف دیگر تهایی و خاموشی دنیای واقعی. این تضاد برای نوجوانان بسیار قابل درک است. آنها در این دوگانگی زندگی می‌کنند. میان میل به آزادی و ترس از مسئولیت، میان دنیای مجازی و دنیای واقعی، میان امنیت و استقلال. «کوراالین» دقیقاً همین کشمکش درونی را به صحنه آورده و همین باعث می‌شود که نوجوانان احساس کنند این نمایش به زبان آنها حرف می‌زند.

در جامعه‌ای که کودکان و نوجوانان اغلب میان خواسته‌های والدین، فشار مدرسه و نیاز به ابراز هویت، گیر می‌کنند، داستان کوراالین بسیار نزدیک است به دختران نوجوانی که دیده نمی‌شوند. خانه‌ای که انگار برای آنها تنگ است. ترسی که باید از آن عبور کنند و جهانی فریبنده که همه چیز را بدون زحمت عرضه می‌کند. این قصه، همان آینه‌ای است که نوجوان امروز ایرانی، نیاز دارد خود را در آن ببیند. «کوراالین» در نسخه ایرانی‌اش تنها یک اجرای پرهزینه نیست؛ بازنمایی مسیر دشوار بلوغ است. قصه‌ای از استقلال، شجاعت و عبور از ترس که با بلندپروازی و مدیریت دقیق یک زن ساخته شده و همین ترکیب، اجرای آن را قابل احترام می‌کند.

کم پیش می‌آید در تئاتر ایران، آن هم در شرایطی که هر روز دست‌کم یک گروه نمایشی ناچار است تمرین‌ها را نیمه‌کاره رها کند، نمایشی روی صحنه برود که از همان نگاه اول، بزرگی تولید در آن آشکار باشد. «کوراالین» به تهیه‌کنندگی مریم نراقی و کارگردانی امیدرضا سپهری از این جنس تجربه‌هاست؛ کاری که با استانداردهای رایج تئاتر ایران سنجیده نمی‌شود چون به‌طور طبیعی خارج از ظرفیت معمول است. در این پروژه، تنها ابعاد فنی نیست که چشم را می‌گیرد؛ بلکه اراده پشت آن است. اراده‌ای که به‌وضوح از سوی تهیه‌کننده هدایت شده است. مریم نراقی با پیشینه روزنامه‌نگاری و تجربه‌ای که از زیست حرفه‌ای در محیط‌های پرفشار به‌دست آورده، نشان داده چگونه یک زن می‌تواند در میانه صنعت تئاتری که عادت دارد پروژه‌های سنگین را در دست مردان ببیند، مسیری متفاوت باز کند.

تهیه چنین نمایش‌هایی با دکور بزرگ، گروه چند ده نفری و طراحی لباس سنگین معمولاً پشتوانه سازمانی یا دولتی می‌خواهند اما اینجا ما با یک تهیه‌کننده مستقل روبه‌رو هستیم؛ کسی که به جای عقب‌نشینی در برابر محدودیت‌ها، انتخاب کرده خطر کند، هزینه کند و پروژه‌ای در ابعاد غیرمعمول بسازد. این نوع بلندپروازی در فضای امروز تئاتر ایران، بیش از آنکه حرکتی کاری باشد، نوعی بیانیه شخصی است تا نشان دهد، زن بودن مانع ساختن کار بزرگ نیست و همین نقطه، ارزش این پروژه را فراتر از یک اجرا می‌برد.

نمایش «کوراالین» به کارگردانی امیدرضا سپهری از همان ابتدا می‌خواست فضا بسازد؛ جهانی مستقل، شلوغ، رنگی و پرحرکت. تصمیم برای داشتن این حجم از بازیگر و این تراکم دکور، نشان می‌دهد گروه، خلاقانه به‌دنبال «تجربه‌ای دیداری» بوده‌اند. نمایشی که قرار نیست فقط روایت کند؛ می‌خواهد چشم مخاطب را درگیر کند، ذهن کودک را تسخیر کند و برای خانواده‌ها یک تجربه مشترک بسازد. نمایش را در باغ کتاب دیدم. پیش از آن توانسته بودم که در تالار وحدت آن را ببینم.

«کوراالین» تنها یک قصه فانتزی سرگرم‌کننده نیست. داستانی است که از دل ادبیات معاصر بیرون آمده. روایتی از نیل گیمن که سال‌هاست، نوجوانان جهان را مجذوب خود کرده چون درباره همان چیزی حرف می‌زند که نوجوان‌ها در زندگی واقعی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ترس، استقلال و مرز باریک میان خیال و واقعیت. قصه از یک نقطه ساده شروع می‌شود. کوراالین، دختری کنجکاو، در خانه جدیدش دری کوچک و خاک گرفته



Audrey» در سال ۲۰۱۵ منتشر شد و پس از آن مجموعه کتاب‌های کودک «My Mummy Fairy and Me» آمد. رمان او «Audrey Can You Keep a Secret؟» در سال ۲۰۱۹ به فیلمی با بازی الکساندرا داداریو و تایلر هوکلین اقتباس شد. آخرین رمانش «The Burnout» بود که در ۲۰۲۳ منتشر شد.

بیماری و امید

در نوامبر ۲۰۲۲ پس از تجربه علائمی از جمله از دست دادن حافظه، سردرد و مشکل تعادل، در کینزلا، گلیوبلاستوما تشخیص داده شد که درمانی ندارد. او این خبر را تا آوریل ۲۰۲۴ خصوصی نگه داشت. کینزلا در مصاحبه‌ای با رابین رابرتز، چهره تلویزیونی، که چند ماه بعد پخش شد، گفت تمرکزش بر زندگی در لحظه است: «تا حالا بیشتر از میانگین دوام آورده‌ام. این‌طور از پشش برمی‌آیم. امیدواریم.» پس از تشخیص، نولا داستان بلند «What Does It Feel Like» را درباره زنی با پنج فرزند که سرطان مغز دارد، نوشت. کینزلا به رابین رابرتز گفت: «فکر کردم شاید مردم کنجکاو باشند بدانند، گذر از این وضعیت چگونه است. امیدوارم بیش و پیش از هر چیز سرشار از خوش‌بینی و عشق باشد.»

آرامیتا ویتلی و ماریتا دو پس، نمایندگان کینزلا در آژانس سوهو، گفتند، نویسنده «استعداد نادری در خلق شخصیت‌های اصلی متأثرکننده از نظر احساسی و داستان‌هایی داشت که در هر کجای جهان که خوانندگان بودند و با هر چالشی که روبه‌رو می‌شدند با آنها حرف می‌زد و سرگرم‌شان می‌کرد.» بیل اسکات-کر، ناشر او در ترنس‌ورلد، گفت کینسزا پشت سر خود «صدایی یگانه، روحیه‌ای خاموش‌نشدنی، نیت خیر و مجموعه‌ای از آثار بر جای می‌گذارد که همچنان الهام‌بخش ما برای بلندپروازی و بهتر شدن خواهد بود، درست مانند بسیاری از شخصیت‌هایش.»

هویدا به‌نوعی برای آرام کردن مردم صورت گرفت؛ اقدامی نمادین که نشان می‌داد، نظام پهلوی در حال فروپاشی است. بخش پایانی مستند به محاکمه هویدا اختصاص دارد. نقل قولی از مهندس بازرگان درباره «فریبکاری و دروغ‌گویی هویدا» در فیلم برجسته می‌شود. گزارش‌های مردمی از رضایت نسبت به محاکمه و اعدام او پیش می‌شود، در حالی که اعتراضاتی نیز به اعدام زودهنگام مطرح شده است. با این حال روایت مرگ هویدا از اعدام تا قتل با ترور به ضعیف‌ترین شکل در فیلم پرداخت شده و گویی فیلمساز از ورود جدی به این بخش پرابهام پرهیز کرده است. این بی‌توجهی، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف مستند به‌شمار می‌رود. در کنار آن، زندگی شخصی هویدا نیز تقریباً نادیده گرفته شده است؛ از روابط فردی و عادات روزمره تا جنبه‌های انسانی شخصیت او هیچ پرداختی وجود ندارد. این کاستی‌ها باعث می‌شود، تصویر هویدا در فیلم بیشتر به یک نماد سیاسی فروکاسته شود تا یک شخصیت چندوجهی انسانی.

به‌نظر می‌رسد، سازندگان تصویری گزینشی از زندگی و شخصیت هویدا به تماشاگر ارائه داده‌اند. همان‌قدر که مستند شبکه «من و تو» یک‌سویه و به‌نفع او بود، این مستند نیز به‌نحوی به تخریب یا دست‌کم نادیده گرفتن دستاوردهای او خلاصه می‌شود. پرسش مهمی در این میان شکل می‌گیرد: شخصی ناکارآمد، فاسد و دروغگو چگونه توانسته ۱۳ سال در بالاترین مسند قدرت اجرایی کشور بنشیند؟ همین پرسش نشان می‌دهد که نقش سفارش‌دهندگان در چنین کارهایی به شدت مهم است. با وجود تصاویر و فیلم‌های آرشیوی مهم و دیده‌نشده، اصل موضوع در این مستند به‌نظر می‌رسد تخریب هویدا بوده و همه تمهیدات با این هدف صورت گرفته است. «هویدا یک؛ پرتزه صوتی» را می‌توان تلاشی جسورانه برای بازخوانی یکی از چهره‌های جنجالی تاریخ معاصر دانست. استفاده از صداها واقعی و آرشیو کمتر دیده شده، اعتبار و جذابیت پژوهشی اثر را افزایش داده است. با این حال ضعف در پرداخت ابعاد شخصی و روایت مرگ هویدا، تصویر او را ناقص باقی می‌گذارد. این مستند بیش از آنکه پاسخ دهد، پرسش می‌سازد؛ پرسش‌هایی درباره فساد، ناکارآمدی، سقوط شاه و نقش هویدا در این میان. شاید همین ویژگی، مهم‌ترین دستاورد آن باشد: گشودن باب گفت‌وگو درباره گذشته‌ای که هنوز سایه‌اش بر امروز سنگینی می‌کند.

طنزآمیز و رفت‌وبرگشتی با طلبکاران و بانک‌ها بود که در آن‌ها برای تأخیر در پرداخت‌ها بهانه می‌آورد. کینزلا گفت، نوشتن آن نامه‌ها از سرگرم‌کننده‌ترین بخش‌ها بود. داستان عاشقانه‌ای هم با یک تاجر خوش‌قیافه بود که بکی هنگام مأموریت با او آشنا شد. او در ادامه ازدواج کرد و در کتاب‌های بعدی صاحب دختری شد که «خریدباز» کوچولو» بود. لحن طنزآمیز «اعترافات یک خریدباز» با کتاب‌های قبلی او متفاوت بود بنابراین تصمیم گرفت، آن را با نام مستعار برای ناشرانش ارسال کند. نام میانی‌اش سوفی بود و کینزلا نام خانوادگی پیش از ازدواج مادرش. ناشران پذیرفتند و «خریدباز» در سال ۲۰۰۰ با نام مستعار او منتشر شد. این رمان که طنز را با روایت هشداردهنده‌ای درباره گرفتار شدن در بدهی درهم آمیخته بود، بلافاصله موفق شد. کینزلا گفت: «بکی زن معمولی‌مدرن بود و رفتارش چیزی بود که خودت انجامش نمی‌کنی، مگر آنکه در شرایط کاملاً بحرانی باشی و او مدام خود را در چنین شرایطی می‌بیند.» ماجراهای بعدی بلوموود در کتاب‌هایی از جمله «خریدباز به منهن می‌رود»، «خریدباز ازدواج می‌کند» و «خریدباز و خواهر» ادامه یافت.

همراه با آثار هنر فیلدینگ، نویسنده «برجبت جونز» و دیگران، کارهای کینزلا در رسانه‌ها اغلب «ادبیات دخترانه» خوانده می‌شد. او سال ۲۰۰۴ به آسوشیتدپرس گفت از این برچسب ناراحت نیست و آن را نشانه کتابی می‌داند که «جذاب و سرگرم‌کننده است و شاید پایانی خوش داشته باشد. این‌که به چیزهای به ظاهر بی‌اهمیت علاقه‌مندید به این معنی نیست که نمی‌توانید باهوش باشید و ایده‌های عالی و بقیه چیزها داشته باشید.»

دو کتاب نخست «خریدباز» به فیلم سال ۲۰۰۹ «اعترافات یک خریدباز» با بازی آیلآ فیشر و هیو دنسی منجر شدند. کینزلا هم‌چنین «Remember Me»، «The Undomestic Goddess?» و «Twenties Girl» را نوشت. یک رمان نوجوان با عنوان «Finding

۴۰ و ۵۰ شمسی ارتباطی ملموس برقرار کند. در مقایسه با مستند پیشین شبکه «من و تو» درباره هویدا، این اثر تلاش کرده زوایای تازه و گاه متناقضی از زندگی او را نشان دهد. یکی از محورهای اصلی مستند، تأکید بر فساد در دولت پهلوی است. جمله‌ای کلیدی در فیلم مطرح می‌شود: «هویدا رشوه نمی‌گرفت اما از بیت‌المال زیاد رشوه می‌داد». این نگاه، تناقض میان ادعای مبارزه با فساد و واقعیت ناکارآمدی دولت را برجسته می‌کند. مستند همچنین سقوط شاه را به حضور هویدا و وزرای ناکارآمدش پیوند می‌زند و دبیرکالی او در حزب رستاخیز را هم‌زمان با نخست‌وزیری، نشانه‌ای از اختلالات سیاسی و اجتماعی آن دوره می‌داند. هویدا ۱۳ سال نخست‌وزیر بود اما دستگیری‌اش نقطه‌عطف کارنامه سیاسی او شد. فیلم نشان می‌دهد که بازداشت



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

دلیل تلاطم

ریشه نوسان های ارزی چیست؟

حمید آذرمند

تحلیلگر اقتصاد

در تحلیل نوسان های اخیر ارزی، نخستین گام تمایز قائل شدن میان مفاهیمی است که در گفت وگوهای عمومی و حتی کارشناسی اغلب به جای یکدیگر به کار می روند. نرخ ارز اسمی، نرخ ارز حقیقی، نرخ تعادلی بلندمدت و نرخ ارز مؤثر، چهار مفهوم متفاوتند که هر یک نقش مشخصی در تحلیل دارند. تنها نرخ ارز اسمی به طور مستقیم قابل مشاهده است و سایر نرخ ها صرفاً از طریق محاسبات اقتصادی به دست می آیند. بی توجهی به این تمایز مفهومی، منشأ بسیاری از خطاهای تحلیلی در ارزیابی وضعیت بازار ارز است. نرخ ارز اسمی همان نرخي است که مبادلات ارزی بر اساس آن انجام و تسویه می شود؛ خواه این نرخ در بازار رسمی باشد، یا ترجیحی، آزاد، یا حتی غیررسمی. از آنجا که این نرخ برای عموم قابل مشاهده است معمولاً مبنای قضاوت و تحلیل قرار می گیرد. اما اتکای صرف به نرخ ارز اسمی، تصویری ناقص و گمراه کننده از واقعیت اقتصادی ارائه می دهد. مهم ترین ایراد این رویکرد آن است که تغییرات سطح عمومی قیمت ها، یعنی تورم را نادیده می گیرد. در اقتصادی که با تورم بالا یا مزمن مواجه است، افزایش نرخ ارز اسمی الزاماً به معنای تضعیف واقعی پول ملی نیست و کاهش آن نیز لزوماً نشانه تقویت واقعی آن محسوب نمی شود. علاوه بر این، نرخ ارز اسمی به تنهایی نشان نمی دهد که هر یک از بازارهای ارزی چه سهمی از کل مبادلات را به خود اختصاص داده اند و چگونه بر رفتار کلی بازار اثر می گذارند. برای پرهیز از این خطاها، تحلیل دقیق بازار ارز مستلزم استفاده از نرخ ارز حقیقی و نرخ ارز مؤثر است. نرخ ارز حقیقی با حذف اثر تورم داخلی و خارجی، قدرت خرید نسبی پول ملی را منعکس می کند و مبنای مناسبی برای سنجش رقابت پذیری اقتصاد است. نرخ ارز مؤثر نیز با در نظر گرفتن نرخ ها و وزن ارزهای مختلف و سهم هر یک از بازارها، تصویر جامع تری از وضعیت ارزی کشور ارائه می دهد. بدون توجه به این شاخص ها، اظهارنظرهایی نظیر «گران شدن» یا «ارزان شدن» نرخ ارز را حتی پرهیز از اینکه «نرخ واقعی ارز چند است» فاقد معنا و اعتبار تحلیلی خواهد بود.

پس از روشن شدن چارچوب مفهومی، می توان به این پرسش پرداخت که اساساً چه عواملی نرخ ارز را تعیین می کنند. در این زمینه اختلاف نظرهای جدی میان اقتصاددانان وجود دارد اما می توان نرخ ارز تعادلی بلندمدت را تابع سه دسته متغیر اصلی دانست: متغیرهای اسمی اقتصاد، وضعیت تراز پرداخت ها و رشد بخش واقعی. متغیرهای اسمی شامل تورم، رشد نقدینگی و سیاست های پولی و مالی هستند که مسیر بلندمدت نرخ ارز اسمی را شکل می دهند. تراز پرداخت ها، که خود متشکل از تراز تجاری، حساب سرمایه و خدمات است، از طریق جریان های ورود و خروج ارز بر عرضه و تقاضای آن اثر می گذارد. در کنار این عوامل، عملکرد بخش واقعی اقتصاد و توان تولید و صادرات نیز نقش تعیین کننده ای در پایداری و سطح تعادلی نرخ ارز دارد. سایر عوامل نظیر مقررات، انتظارات، شوک های سیاسی و اقتصادی یا مداخلات دولت و بانک مرکزی می توانند به طور موقت، نرخ ارز را از مسیر تعادلی خود منحرف کنند اما این انحرافات پایدار نیستند. در نهایت قیمت ها تمایل دارند به سمت نرخ تعادلی بلندمدت بازگردند. مداخلات قیمتی، دستکاری نرخ ها یا تغییرات مقطعی در ضوابط ارزی و تجاری، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت اثرگذار باشند اما در بلندمدت قادر به تغییر روندهای بنیادین نیستند. تا زمانی که اقتصاد با تورم مزمن و رشد شتابان نقدینگی روبه روست، نرخ تعادلی ارز اسمی ناگزیر روندی افزایشی خواهد داشت. از سوی دیگر، افزایش صادرات کالا و خدمات و ورود سرمایه می تواند، فشار کاهنده بر نرخ ارز وارد کند. در حالی که واردات گسترده و خروج سرمایه اثر فزاینده دارد. بنابراین نوسانات شدید بازار ارز را باید در مجموعه ای از عوامل ساختاری جست و جو کرد؛ از جمله خروج سرمایه، اختلال در فرایند تجارت خارجی، مشکلات روابط کارگزاری بین المللی، وجود نظام چندنرخي ارز، اصرار بر تثبیت نرخ ارز در شرایط تورم مزمن، فقدان یک لنگر معتبر برای شکل دهی به انتظارات و در نهایت رشد شتابان نقدینگی و تداوم کسری های مزمن بودجه. بر این اساس، ثبات بخشی به بازار ارز و رهایی از تلاطمات مستمر، نیازمند مجموعه ای از اصلاحات هماهنگ و پایدار است. تغییر لنگر اسمی انتظارات، برای مثال از طریق استفاده مؤثر از نرخ بهره، می تواند نقش مهمی در مهار انتظارات تورمی ایفا کند. تکنرخی کردن ارز و کنار گذاشتن نظام های تثبیت شده یا شبه تثبیت شده در شرایط تورم بالا از بروز رانت و بی ثباتی جلوگیری می کند. همچنین پرهیز از هرگونه اختلال در فرایند صادرات، اصلاح سیاست های تجاری و ارزی و در نهایت کنترل رشد نقدینگی و عوامل مولد تورم، به ویژه کسری بودجه، پیش شرط های اساسی برای دستیابی به ثبات پایدار در بازار ارز به شمار می روند.

پرهیز از غافلگیری

تغییر قیمت بنزین باعث اعتراض نشد

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

دولت مسعود پزشکیان را باید در زمره دولت هایی به حساب آوریم که بدون ایجاد حاشیه ای خاص، تغییرات قابل توجهی در قیمت بنزین ایجاد کرد اما در اجرای این سیاست موفق بود و در خیابان ها، آب از آب تکان نخورد. مصوبه جدید بنزینی دولت که مهم ترین بخش آن افزایش نرخ آزاد بنزین از ۳ هزار به ۵ هزار تومان است از شنبه ۲۲ آذر با موفقیت اجرا شد که نخستین تغییر قیمت بنزین پس از سال ۱۳۹۸ محسوب می شود. به دلیل اجرای تدریجی و احتمالاً موفقیت دولت در زمینه اقناع جامعه، نه صف بنزین شکل گرفت و نه اختلالی در سوخت گیری گزارش شد.

تجربه های قبلی به ویژه رخداد های سال ۱۳۹۸ نشان داده بود که قیمت بنزین نه فقط یک متغیر اقتصادی بلکه یک مسئله سیاسی و اجتماعی حساس است. با این حال دولت پزشکیان توانست بدون ایجاد تنش اجتماعی جدی، مهم ترین تغییر قیمتی بنزین در ۶ سال گذشته را اجرا کند. این موفقیت نسبی را می توان در چند ملاحظه کلیدی، جست و جو کرد.

نخستین مزیت تغییر در شیوه اجرا بود. در سال ۱۳۹۸ افزایش قیمت بنزین به صورت ناگهانی بدون اطلاع رسانی قبلی و در ساعات پایانی شب انجام شد. این شوک ناگهانی، فارغ از درست یا غلط بودن اصل سیاست، احساس بی اطلاعی و بی قدرتی را در جامعه تشدید کرد و به سرعت به اعتراضات گسترده انجامید. در مقابل، دولت پزشکیان سیاست افزایش قیمت را به صورت تدریجی، شفاف و از پیش اعلام شده، اجرا کرد. جامعه از قبل می دانست چه اتفاقی قرار است بیفتد، میزان افزایش چقدر است و کدام نرخ تغییر می کند. همین قابل پیش بینی بودن، بخش مهمی از تنش را خنثی کرد.

دومین ملاحظه مهم، تفکیک دقیق بین بنزین سهمیه ای و بنزین آزاد بود. در مصوبه جدید، قیمت بنزین سهمیه ای دست نخورده باقی ماند و افزایش قیمت تنها متوجه بنزین آزاد شد. یعنی بخشی از مصرف که معمولاً به دهک های بالاتر درآمدی، مصرف غیر ضروری یا سفرهای بیشتر مربوط است. این تفکیک، پیام روشنی به جامعه داد که دولت قصد ندارد، فشار معیشتی مستقیم بر مصرف پایه خانوارها وارد کند. در نتیجه بخش بزرگی از جامعه که مصرفش در چارچوب سهمیه تعریف می شود، خود را هدف سیاست احساس نکرد.

سوم، میزان افزایش قیمت نیز نقش تعیین کننده داشت. افزایش ۲۰۰۰ تومانی بنزین آزاد، هرچند در ظاهر عدد قابل توجهی است اما در مقایسه با تورم انباشته سال های اخیر جهش ناگهانی محسوب نمی شود. جامعه ای که طی سال ها با افزایش های چند ده درصدی قیمت کالا ها و خدمات مواجه بوده این تغییر را نه به عنوان یک شوک غیر قابل تحمل بلکه به عنوان بخشی از روند

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران با فضای نسبتاً مثبت آغاز شد و شاخص ها در دقایق ابتدایی، رشد محدودی را تجربه کردند. در ابتدای بازار، شاخص کل با افزایش اندکی همراه شد اما این روند چندان پایدار نماند و با تشدید فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص ساز، شاخص کل به تدریج عقب نشست و در مقطعی حدود نیم درصد کاهش یافت. با این حال این افت محدود نتوانست، فضای ترس و نگرانی در بازار ایجاد کند. نکته قابل توجه آن بود که شاخص هم وزن حتی وارد محدوده منفی نشد که نشان دهنده مقاومت و پایداری نسبی نمادهای کوچک تر و متوسط بازار در برابر فشار فروش بود.

با ادامه روند معاملات و پس از فروکش کردن هیجانات

اصلاح تدریجی قیمت ها درک کرد. به بیان دیگر، سیاست در دام شوک درمانی نیفتاد.

نکته دیگر این است که دولت در زمینه اقناع افکار عمومی و روایت سازی موفق بود. دولت تلاش کرد این تصمیم را نه به عنوان یک اقدام صرفاً مالی بلکه به عنوان بخشی از اصلاحات ضروری برای مدیریت مصرف، کاهش قاچاق و جلوگیری از بحران های آتی انرژی توضیح دهد. برخلاف دوره هایی که سیاست گذار یا سکوت می کرد یا با زبان دستوری سخن می گفت در این مورد شاهد نوعی تلاش برای اقناع افکار عمومی بود؛ حتی اگر این اقناع کامل و بی نقص نبوده باشد. همین تفاسوت در لحن و روایت، سطح واکنش اجتماعی را تعدیل کرد.

به عقیده اقتصاددانان یکی دیگر از تفاوت های فعلی، سرمایه اجتماعی و تصور عمومی از دولت است. دولت پزشکیان، دست کم در ماه های ابتدایی فعالیت خود، با تصویری از واقع گرایی، پرهیز از شعار و گفت وگو با جامعه شناخته شد. در چنین شرایطی حتی تصمیمات سخت اقتصادی با درجه ای از مدارا مواجه می شوند. مردم وقتی احساس کنند، سیاست گذار واقعیت ها را می بیند و قصد پنهان کاری یا غافل گیری ندارد، واکنش های هیجانی کمتری نشان می دهند. چنانکه علی سرزعیم نیز گفته: «دیروز قیمت بنزین آزاد ۲۰۰۰ تومان گران شد. برخلاف جو دادن بی خود و ترساندن الکی برخی خبرنگاران، برخی کارشناسان و برخی سیاستمداران اقدام به افزایش قیمت ۲۰۰۰ تومانی یک سال عقب افتاد. اقتصاد یک سال در مشکل بنزین بیشتر فرو رفت. کسانی هشدار می دادند که کاری نکنید که چه ها خواهد شد. حالا می توان دید که چقدر این خیرخواهی ها، بی مبنا بوده است و چه کسانی واقعیت تر بوده اند. خلاصه کلام، آقای پزشکیان دیدید شد با پیش بروید اگر می خواهید باقی بمانید، اگر می خواهید ایران باقی بماند.» نقل قول علی سرزعیم نیز دقیقاً بر همین نکته انگشت می گذارد.



ترس افکنی های پیشینی با واقعیت اجتماعی سازگار نبودند. یکی از مواردی که نباید از یاد برد، وضعیت کلی جامعه و آستانه اعتراض است. جامعه ایران در سال های اخیر با فشارهای اقتصادی، تحریم، تورم و نااطمینانی های متعددی مواجه بوده است. این وضعیت هم می تواند، زمینه اعتراض را تقویت کند و هم آستانه آن را بالا ببرد. در شرایطی که تغییر قیمت بنزین نه ناگهانی است، نه معیشت پایه را هدف می گیرد و نه با بی اعتنایی به افکار عمومی همراه است، انگیزه لازم برای بسیج اعتراضی گسترده شکل نمی گیرد. به بیان ساده، هزینه اعتراض از هزینه پذیرش سیاست بیشتر به نظر می رسد.

تصمیم اخیر یک نکته مهم دیگر هم به یادمان آورد. اینکه صف های طولانی بنزین تشکیل نشد چون اختلال در سامانه ها یا بی نظمی در سوخت گیری، خود می تواند به محرک ناراضیاتی تبدیل شوند. اجرای روان و بی دردسر مصوبه، مانع از آن شد که ناراضیاتی بالقوه به تجربه زیسته منفی تبدیل شود. مردم سیاست را در عمل دیدند، نه در قالب بحران روزمره.

البته عدم اعتراض خیابانی الزاماً به معنای رضایت کامل نیست. بخشی از جامعه ممکن است ناراضی باشد اما ناراضی خاموش. تفاوت مهم این سیاست با تجربه های پیشین در آن است که ناراضیاتی به اعتراض جمعی و انفجاری تبدیل نشد. این خود نشانه ای است از اینکه سیاست گذاری، دست کم در این مورد، توانسته میان ضرورت اقتصادی و ملاحظات اجتماعی تعادل نسبی برقرار کند. اینکه مردم به خیابان ها نریختند نه چون بنزین ارزان ماند بلکه چون سیاست درست زمان بندی شد، درست روایت شد، درست هدف گیری شد و درست اجرا شد. تجربه اخیر نشان می دهد که حتی سیاست های حساس و پرریسک نیز اگر با عقلانیت، شفافیت و احترام به جامعه همراه باشند الزاماً به بحران اجتماعی منجر نمی شوند. این شاید مهم ترین درس ماجرای بنزین در دولت پزشکیان باشد.

سفارش های خرید به ۲ هزار و ۵۱۵ میلیارد تومان رسید، در حالی که ارزش سفارش های فروش حدود ۶۰۵ میلیارد تومان بود. همچنین وجود ۲۴۶ صف خرید در مقابل تنها ۴۰ صف فروش، بیانگر برتری محسوس تقاضا نسبت به عرضه در پایان بازار است.

در بخش جریان نقدینگی، ورود پول حقیقی به بازار سهام مثبت و معادل ۱ هزار و ۲۱۰ میلیارد تومان ثبت شد. در مقابل، صندوق های با درآمد ثابت با خروج نقدینگی ۱ هزار و ۶۶۳ میلیارد تومانی مواجه شدند. این جابه جایی منابع نشان می دهد که سرمایه گذاران حقیقی در شرایط فعلی تمایل بیشتری به پذیرش ریسک و سرمایه گذاری در بازار سهام دارند و فرصت های کوتاه مدت این بازار را جذاب تر از گزینه های کم ریسک ارزیابی می کنند.

از نظر وضعیت نمادها، دیروز ۵۸۳ نماد در محدوده مثبت و ۲۵۰ نماد در محدوده منفی معامله شدند. هرچند فشار فروش در برخی نمادهای بزرگ موجب نوسان شاخص کل شد اما در مجموع غالب بازار در مسیر صعودی قرار داشت. رفتار رفت و برگشتی شاخص ها در طول معاملات، ماهیت پرنوسان بازار دیروز را به خوبی منعکس می کند. در مجموع، رشد ارزش معاملات، بازگشت تقاضا و ورود پول حقیقی، حاکی از تقویت اعتماد سرمایه گذاران و آمادگی بازار برای تداوم روند مثبت در روزهای آتی است.

زمستان سخت دارویی

دارو گران شده و طی روزهای آینده هم ۸۰۰ قلم دارویی در داروخانه‌ها پیدا نمی‌شود

گروه اجتماعی: بازار دارویی کشور در آستانه ورود به فصل زمستان با مجموعه‌ای از هشدارها و آمارهای نگران‌کننده از سوی نهادهای صنفی و مسئولان ارشد حوزه سلامت مواجه شده است. در حالی که رئیس سازمان غذا و دارو از کاهش منابع ارزی تخصیص‌یافته و چالش‌های انتقال آن سخن می‌گوید، اعضای انجمن داروسازان با ارقام تکان‌دهنده‌ای اعلام کرده‌اند که ذخایر دارویی و شیرخشک کشور به کمتر از دو ماه رسیده و در صورت تداوم وضعیت موجود باید منتظر کمبود حدود ۸۰۰ قلم دارو در سه ماه آینده بود. این شرایط در کنار جهش ۷ برابری قیمت دارو پس از حذف ارز ترجیحی، یک «زمستان سخت دارویی» را برای بیماران و صنعت دارو پیش‌بینی می‌کند.

ناپایداری زنجیره تأمین و هشدار سازمان غذا و دارو

مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو ضمن اذعان به شرایط دشوار، ریشه اصلی مشکلات را به مسائل ارزی و مالی گره زد. او تأکید کرد که «کمبود ارز و تأخیر در تخصیص منابع، بخش قابل‌توجهی از توان مدیریتی سازمان غذا و دارو را به پیگیری مطالبات معوق از بانک مرکزی و بیمه‌ها معطوف کرده است» و همین امر جریان مالی داروخانه‌ها و شرکت‌های پخش را دچار اختلال کرده است. پیرصالحی آمار نگران‌کننده‌ای از وضعیت تخصیص ارز ارائه داد و گفت: «از ۳۰۵ میلیارد دلار ارز ترجیحی که باید تا آذرماه تخصیص می‌یافت تنها ۱۰۹ میلیارد دلار پرداخت شده و از این مقدار ۷۰۰ میلیون

شهر

تجمل‌گرایی در شهرداری

اعتراض اعضای شورای شهر به سوءمدیریت مالی



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

جلسه علنی دیروز شورای اسلامی شهر تهران به آوردگاه تذکرات تعدی تبدیل شد که مستقیم‌نوک پیکان انتقادات را به‌سوی مدیریت زاکانی نشاناه رفت. صحن شورا در برابر دو موضوع همزمان قرار گرفت: نخست، یک بحران انسانی عریان که در قالب ویدئویی تکان‌دهنده از فوت یک کارتن‌خواب و آسیب‌دیدگی جسد او توسط موش‌ها در فضای مجازی منتشر شده بود و دوم، بحران سوءمدیریت مالی و اسراف‌های میلیاردی در شهرداری تهران. مرگ دلخراش یک کارتن‌خواب زیر یک پل و انتشار شایعاتی مبنی بر آسیب دیدن جسد وی توسط موش‌ها در تذکرات اعضا انعکاس یافت. آنها خواستار گزارشی رسمی و فوری شدند و پاسخ‌های غیررسمی شهرداری مبنی بر «احتمال ساختگی بودن ویدئو» را ناکافی دانستند. مهدی عباسی، عضو شورای شهر، با ابراز نگرانی عمیق، اعلام کرد که با فرد تهیه‌کننده ویدئو، گفت‌وگو کرده و به این نتیجه رسیده که «واقعیت ماجرا به‌مراتب تأسف‌بارتر از آن چیزی است که در ویدئو و از زبان ایشان نقل می‌شود». عباسی، عملکرد شبکه شناسایی و حمایت از آسیب‌دیدگان را زیر سوال برد و تأکید کرد که در صورت وقوع چنین فاجعه‌ای، شهروندان حق دارند بدانند «چرا شبکه شناسایی و حمایت توانسته از وقوع این فاجعه جلوگیری کند». او اضافه کرد: «پاسخ شفاهی و غیررسمی سازمان مربوطه مبنی بر عدم دریافت گزارش رسمی و احتمال قدیمی یا ساختگی بودن ویدئو، پاسخگوی نگرانی‌های عمومی نیست و کفایت لازم را ندارد. شهروندان نیازمند شفاف‌سازی رسمی، مستند و مکتوب هستند». وی در تذکری قاطع از شهردار و مدیرعامل سازمان رفاه مطالبه کرد که ظرف مدت یک هفته موضوع را به‌صورت کامل رسیدگی کرده، گزارش جامع مکتوب به شورا ارائه دهند و اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه لازم را عملیاتی کنند. عباسی همچنین متذکر شد که ناکارآمدی در این حوزه «خوراک لازم را برای دشمنان جهت ضربه زدن به نظام فراهم می‌آورد؛ در حالی که کارآمدی واقعی در صحنه عمل و در همین مأموریت‌ها متجلی می‌شود». در پیوند با این موضوع، زهرا شمس‌احسان نیز با اشاره به کاهش ظرفیت مراکز یاورشهر (از ۸ هزار به ۵ هزار تخت) و کاهش گشت‌های جمع‌آوری، هشدار داد که سیاست‌های جدید رفاه، عامل افزایش حضور معتمدان متجاهر در معابر و خدشه‌دار شدن کرامت انسانی قشرهای آسیب‌پذیر شده است.

دلار هنوز منتقل نشده است». در واقع، تنها ۱.۲ میلیارد دلار ارز به خارج از کشور منتقل شده در حالی که تا این زمان حداقل باید ۲.۵ میلیارد دلار تخصیص داده می‌شد. وی افزود: «اخیراً بخشنامه‌ای از سوی دولت صادر شده که ارز ترجیحی دارو و تجهیزات از ۳۰۵ میلیارد دلار به ۲.۹ میلیارد دلار کاهش یافته است». این کاهش منابع ارزی توان تولید و واردات را در ماه‌های آتی به‌طور جدی تضعیف می‌کند. براساس آمار ارائه شده از سوی سازمان غذا و دارو، وضعیت موجودی داروهای استراتژیک به مرز هشدار رسیده است: ۲۱ قلم داروی بیمارستانی دچار کمبود شده، ۱۹۵ قلم موجودی زیر یک ماه، ۳۶۰ قلم زیر دو ماه و ۲۷۰ قلم زیر سه ماه است. این ارقام نشان‌دهنده آن است که ذخایر صدها قلم دارو به زیر سه ماه رسیده و در صورت عدم اصلاح فوری در تخصیص ارز و نقدینگی، بحران قریب‌الوقوع است.

ذخایر کمتر از دو ماه و تهدید کمبود ۸۰۰ قلم دارو

همزمان با اظهارات رئیس سازمان غذا و دارو، دو عضو هیأت‌مدیره انجمن داروسازان با جزئیات بیشتری این بحران را تشریح کردند. بابک مصباحی، عضو هیأت‌مدیره انجمن داروسازان با تأکید بر اینکه مشکل صرفاً محدود به افزایش نرخ ارز نیست، اعلام کرد: «ذخایر دارویی کشور به‌طور میانگین کمتر از دو ماه است و در مورد شیرخشک نیز شرایط مشابهی وجود دارد». او صریحاً هشدار داد که «حدود ۸۰۰ قلم دارو در سه ماه آینده با کمبود مواجه خواهند شد». هادی احمدی، دیگر



عضو هیأت‌مدیره انجمن داروسازان نیز به اثرات مستقیم نوسانات ارزی بر قیمت نهایی دارو اشاره کرد و گفت: اگرچه بخشی از مواد اولیه با ارز ترجیحی تأمین می‌شود اما «حدود ۷۰ درصد هزینه تولید دارو شامل بسته‌بندی، اقلام جانبی و سایر ملزوماتی است که از ارز آزاد تبعیت می‌کند و تنها ۳۰ درصد به ماده اولیه اختصاص دارد». به همین دلیل افزایش روزانه نرخ ارز مستقیماً بر قیمت دارو تأثیر می‌گذارد.

فشار مضاعف بر بیماران و ناکارآمدی بیمه‌ها

پیامد مستقیم ناپایداری بازار، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها بوده است. علیرضا چیدری، رئیس انجمن تولید، تأمین و توزیع تجهیزات پزشکی دارویی استان تهران از «جهش ۷ برابری» قیمت دارو در ایران از زمان حذف ارز ترجیحی دارو خبر داد. این گرانی افسارگسیخته، قدرت خرید بیماران را به شدت کاهش داده است. هادی احمدی هشدار داد که «بسیاری از بیماران هنگام مراجعه به داروخانه با افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شوند و به همین دلیل با دارو را به‌صورت ناقص تهیه می‌کنند یا به‌طور کلی از خرید آن منصرف می‌شوند». این وضعیت نتهتها «روند درمان را مختل می‌کند» بلکه «در نهایت، هزینه‌های درمانی را افزایش می‌دهد». بحران پوشش بیمه‌ای نیز حلقه مفقوده این زنجیره است.

شهردارانی پایین‌تر از یک منگنه‌زن

نرجس سلیمانی، دیگر عضو شورا، حوزه شهرسازی و مدیریت منابع انسانی را هدف قرار داد. تندترین بخش تذکر سلیمانی، انتقاد او به انتصاب شهرداران مناطق بود. او گفت که: «برخی از شهرداران مناطق به‌اندازه یک منگنه‌زن هم در شهرداری تهران سابقه ندارند» و حتی صلاحیت احراز سابقه کار لازم را ندارند که اشاره مستقیمی به بی‌تجربگی مدیران انتصابی است. در حوزه شهرسازی، سلیمانی نسبت به طرح جدید بلندمرتبه‌سازی هشدار داد و گفت: «این طرح برای بلندمرتبه‌سازی تعریف جدیدی داشته و از ۱۲ طبقه به بالا را بلندمرتبه‌سازی دانسته است». وی افزود: «انگار بعضی از موضوعات بسیار مهم مانند گسل‌های تهران در این طرح عمداً نادیده گرفته شده است». او همچنین گفت انتظار می‌رفت مهندس مشاور، گسل‌های مهمی مانند سوهانک تا حصارک، ری و لویزان را صریحاً در متن لحاظ کند و به شبکه قنوات توجه لازم شود. سلیمانی نسبت به بازتعریف ساختمان بلندمرتبه (از ۱۱ طبقه بالا به ۱۲ طبقه و بالاتر) انتقاد کرد و گفت این تغییر می‌تواند بدون در نظر گرفتن آثار تراکم و سایه‌اندازی، مشکل‌آفرین باشد.

دفاع خزانه‌دار از هزینه‌های شورا

در حاشیه این جنجال‌ها، بحث هزینه‌های جاری شورا که در روزهای اخیر حاشیه‌ساز شده بود توسط حبیب کاشانی، خزانه‌دار شورا، شفاف‌سازی شد. وی با رد قاطع ادعای مطرح شده مبنی بر هزینه ۷ میلیارد تومانی هر جلسه شورا، این ارقام را «اشتباه» خواند. کاشانی توضیح داد که اگر این عدد قبول شود، هزینه سالانه جلسات شورای شهر تهران به عدد ۷۰۵ میلیارد تومان می‌رسد، «درحالی که کل بودجه شورای‌شهر حدود ۵۰۰ میلیون تومان است». او با ارائه ریز محاسبات رقم واقعی را اعلام کرد: «میانگین حق‌الزحمه ماهانه هر عضو شورا ۶۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان است و حقوق سه ساعت حضور هر عضو در جلسه ۸۴۹ هزار تومان می‌شود که در مجموع برای ۲۱ عضو به ۱۷ میلیون و ۶۰۵ هزار تومان می‌رسد». او با احتساب سایر هزینه‌ها: «میانگین حقوق اعضای واحد روابط عمومی برای سه ساعت ۲ میلیون و ۵۶۷ هزار تومان و مجموع حقوق دبیران کمیسیون‌ها و معاونت نظارت ۷ میلیون و ۵۲۰ هزار تومان برآورد شده است». کاشانی تأکید کرد که حتی «هزینه‌های خدمات آبدارخانه برای سه ساعت ۳۸۹ هزار تومان» محاسبه شده است. برآورد او نشان داد که هزینه واقعی هر جلسه سه‌ساعته شورا، با احتساب حقوق عوامل اجرایی، خدمات و انرژی حدود ۴۴ میلیون تومان است و پزیری‌های جزئی (مانند شیرینی) نیز «از جیب شخصی اعضای شورای شهر» پرداخت می‌شود.

بابک مصباحی تأکید کرد: «مسئولیت حفاظت مالی از بیمار برعهده بیمه‌هاست و پایین نگه داشتن دستوری قیمت دارو، بدون تأمین سایر اجزای زنجیره، به تضعیف صنعت داروسازی منجر شده است». در شرایط کنونی، آخرین پرداختی بیمه‌های پایه به داروخانه‌ها مربوط به مطالبات تیرماه امسال است و از پرداخت ماه‌های مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر خبری نیست. محمد عبده‌زاده، رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران نیز تصریح کرد که «جمع مطالبات شرکت‌های داروسازی از شرکت‌های دولتی و خصوصی و داروخانه‌های هر دو بخش به بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است». این انباشت مطالبات باعث شده که داروخانه‌ها و شرکت‌های پخش در شرایط بسیار سخت مالی قرار گیرند و نتوانند، داروخانه‌ها را به‌موقع تسویه کنند و برای تأمین نقدینگی مجبور به دریافت تسهیلات با نرخ‌های بالا شوند؛ تسهیلاتی که با حاشیه سود تولید دارو همخوانی ندارد.

پیش‌بینی زمستان سخت دارویی

کارشناسان متفق‌القول هستند که ترکیب کمبود تخصیص ارز (که پیرصالحی از تأخیر چندماهه در آن خبر داد)، انباشت مطالبات ۱۵۰ همتی و کاهش سهم ارز ترجیحی، می‌تواند «روزهای سختی» را در حوزه دارو رقم بزند و زمینه را برای کمبود گسترده فراهم آورد. محمد عبده‌زاده تأکید کرد که اگر بحث تأمین ارز و ریال انجام نشود «به‌منظر می‌رسد سه ماه آخر سال، روزهای سختی در حوزه دارو کشور باشد». مهدی پیرصالحی نیز با اشاره به مقاومت و ایستادگی صنعت داروسازی در بحران‌های گذشته، ازجمله دوران جنگ و همه‌گیری کرونا، بر حمایت فوری از تولید داخل تأکید کرد و افزود که «زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی کشور در شرایطی شبیه به یک جنگ فرسایشی دائمی قرار دارد». او خواستار اصلاح مقررات و تسهیل روند اداری برای تولیدکنندگان همچنین تخصیص کامل منابع ارزی شد. به باور فعالان این حوزه برای عبور از «زمستان سخت دارویی» تصمیمات فوری در بالاترین سطوح مدیریتی کشور برای آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده و پرداخت بدهی‌های بیمه‌ای ضروری است تا از فاجعه کمبود ۸۰۰ قلم دارو در ماه‌های آینده جلوگیری شود.

گزارش ویژه

نخستین ارائه VolTE در رومینگ بین‌الملل توسط همراه اول

همراه اول با همکاری ودفافون قطر برای نخستین‌بار در کشور، سرویس VolTE را در شبکه رومینگ بین‌الملل راه‌اندازی کرد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، براساس اعلام اپراتور اول تلفن همراه کشور، مشترکانی که به قطر سفر می‌کنند از این پس می‌توانند هنگام استفاده از رومینگ بین‌الملل از مکالمه با صدای شفاف HD، پایداری بیشتر تماس، اتصال سریع‌تر و امکان استفاده همزمان از اینترنت پرسرعت ۴G و 5G بهره‌مند شوند. این سرویس با بهینه‌سازی مصرف انرژی، تجربه‌ای روان‌تر و مطمئن‌تر از ارتباطات صوتی را در سفرهای خارجی رقم می‌زند. راه‌اندازی VolTE در رومینگ بین‌الملل، گامی مهم در توسعه خدمات نوین ارتباطی و ارتقای تجربه مشترکان همراه اول در خارج از کشور به‌شمار می‌رود. همراه اول اعلام کرده است این سرویس تا پایان سال جاری در کشورهای استرالیا، عربستان سعودی، چین و سنگاپور نیز توسعه خواهد یافت. هزینه هر دقیقه مکالمه VOLTE برای مشترکان دائمی و اعتباری، مشابه تعرفه مکالمه رومینگ مقصد محاسبه می‌شود. مشترکان برای استفاده از این سرویس باید از فعال بودن رومینگ بین‌الملل خود اطمینان حاصل کرده و در صورت تمایل، بسته‌های رومینگ را از طریق اپلیکیشن «همراه من» یا کد دستوری «ستاره ۱۰ ستاره ۴۰ مربع» خریداری کنند. همچنین باید در نظر داشت برای استفاده از VolTE ضمن نیاز به پشتیبانی گوشی مشترکان، سیم‌کارت باید از نوع USIM باشد؛ در صورت وجود این دو شرط، فعال‌سازی سرویس با شماره‌گیری کد دستوری «ستاره ۱۰ ستاره ۷ مربع» سپس روشن کردن گزینه VolTE در تنظیمات گوشی انجام می‌شود. آموزش فعال‌سازی VolTE همراه اول در مدل‌های مختلف گوشی تلفن همراه از طریق صفحه اختصاصی این سرویس در وب‌سایت همراه اول در دسترس مشترکان قرار دارد.



صدای شفاف در تماس رومینگ

با فعال‌سازی VolTE #۱۰۰۷۱*

